

بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تأکید بر تجارت خارجی

صمد عزیزنژاد*، دکتر سیدمحمدرضا سیدنورانی**

تاریخ دریافت ۸۸/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش ۸۹/۲/۲۸

هدف اصلی این مقاله بررسی آثار تحریم اقتصادی بر تجارت خارجی ایران در سه حوزه انرژی، کالا و خدمات بانکی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ایالات متحده در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۸، با برگزیدن سیاست خصومت با ایران سعی در تضعیف اقتصاد کشور ما داشته و بعد از اعمال تحریم‌های مختلف، در حوزه‌های مذکور آثار زیر ظاهر شده است.

۱. علی‌رغم تحریم‌های اقتصادی ایران، بخش انرژی چندان از این تحریم‌ها اثرپذیر نبوده و همچنان به رشد و توسعه خود ادامه می‌دهد.
۲. از سال ۲۰۰۷ به بعد و با تشدید تحریم‌ها قیمت کالاهای سرمایه‌ای (ماشین‌آلات و تجهیزات) از سوی فروشندگان اروپایی بین ۷ الی ۱۰ درصد افزایش یافته است.
۳. هرچند اعمال تحریم‌های پی‌درپی و در فواصل زمانی کوتاه، موجب اثرپذیری نظام بانکی از این تحریم‌های مالی شده است، اما به مرور زمان بانک‌های ایرانی با برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه این تحریم‌ها را پشت سر گذاشته و به تعهدات خود عمل کرده‌اند و اجازه ندادند وجهه بین‌المللی آنها دچار آسیب شود. به این منظور و براساس بهره‌گیری از تجربه‌های سال‌های گذشته و اخیر و همچنین مقابله با آثار تحریم‌های احتمالی توصیه‌های سیاستی لازم نیز ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: تحریم؛ انرژی؛ تجارت؛ نظام بانکی

طبقه‌بندی JEL: F59؛ F51

* پژوهشگر گروه بازارهای مالی دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

E-mail: aziznejad.samad@gmail.com

** دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی؛

E-mail: nourani@atu.ac.ir

مقدمه

تحریم عبارت است از عمل هماهنگ به وسیله گروهی که متضمن امتناع از داشتن روابط تجاری یا هرگونه رابطه‌ای با شخص یا گروه دیگر با هدف مجازات و یا جبران زیان‌ها باشد؛ تحریم اقتصادی نیز عبارت است از موضع‌گیری‌هایی که تعدادی از کشورها با هدف ایجاد محدودیت در تجارت و رابطه رسمی با کشوری که از نظر آنها قوانین بین‌المللی را نادیده می‌گیرد، اتخاذ می‌شود (صادقی‌یارندی و طارم‌سری، ۱۳۸۵: ۵۳). اغلب این تحریم‌ها علیه یک کشور برای مقابله با سیاست‌ها و برنامه‌های آن تفسیر می‌شود. در واقع تحریم از موضع‌گیری شروع و سپس عملیاتی می‌شود.

با آنکه جمهوری اسلامی ایران سال‌ها هدف تحریم‌های اقتصادی بوده، باین حال تاکنون اغلب مباحثی که در زمینه تحریم اقتصادی انجام شده، توصیفی و یا به صورت تحلیل خبری بوده است. در حالی که تحریم‌های اقتصادی مسئله تازه‌ای نیست و حداقل از جنگ جهانی اول به بعد، تحریم اقتصادی ابزاری قوی در سیاست خارجی کشورها مطرح شده است. سازوکار عملی تحریم‌های اقتصادی و عوامل دخیل در موفقیت یا شکست آن به حدی متنوع است که کشورهای تحریک‌کننده نمی‌توانند پیش‌بینی درستی داشته باشند. به همین دلیل توجه به اخبار روزمره و اظهارنظرهای سیاست‌مداران و دولت‌مردان کشورهای تحریم‌کننده یا تحریم‌شونده نیز در موارد زیاد گمراه‌کننده است. از این رو دقت و مطالعه بحث‌های نظری که براساس تجارب گذشته به دست آمده است، می‌تواند مفید و مؤثر باشد (زهرائی، ۱۳۷۶: ۱۲۶).

بنا به موارد فوق ضرورت توجه و مطالعه خبرهای مختلف تحریم اقتصادی نمایان می‌شود که در این مقاله اثر تحریم‌های اقتصادی بر تجارت خارجی ایران بعد از دهه ۱۹۹۰ میلادی بحث و ارزیابی می‌شود. در قسمت اول ابتدا مبانی نظری تحریم ارائه می‌شود، در قسمت دوم تاریخچه تحریم‌های اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران بحث می‌شود، در قسمت سوم محتوای تحریم‌های اعمال شده علیه ایران ارزیابی می‌گردد، در قسمت چهارم روند تجارت خارجی ایران قبل و بعد از تحریم تجزیه و تحلیل می‌شود، در قسمت پنجم اثر

تحریم‌های اقتصادی بر تجارت خارجی مستندسازی و در قسمت ششم بحث و نتیجه‌گیری و راهکارهای مقابله با تحریم‌ها ارائه می‌شود.

۱ مبانی نظری تحریم

نظریه‌های تحریم رابطه مستقیمی با به کارگیری قدرت اقتصادی دارد. و بنا به تعریف رابرت ژیلپین تحریم اقتصادی یعنی «دست‌کاری روابط اقتصادی به منظور اهداف سیاسی» (Jil Meron, 1990: 10).

برخی تحریم اقتصادی را جزئی از مهارت‌های دیپلماتیک می‌دانند. این برداشت بیشتر به قرن‌های پیشین مربوط بوده است. در اوضاع کنونی، استراتژی برای بر پا کردن جنگ اقتصادی در جریان خصومت‌های جاری عصر نوین دارای اهدافی بسیار گسترده‌تر از مفهوم سنتی است. مخصوصاً بعد از دهه ۱۹۹۰ الگوی تحریم دچار تغییر شده است؛ به طوری که از تحریم اقتصادی به عنوان سیاست برتر یا جایگزین ابزار نظامی با هزینه کمتر یاد می‌شود (Lopez and Cortright, 1995: 18).

از دید طرف‌داران تحریم، پایه نظری ابزار اقتصادی در سیاست خارجی محکم است. این بحث دارای دو فرض اساسی است: اول قطع رابطه تجاری و تحریم اقتصادی، کشور تحت تحریم را از بعضی منافع که از تجارت عاید آن کشور می‌شود، محروم می‌کند و در نتیجه از رفاه می‌کاهد. دوم، استفاده نکردن از سود تجاری، بر کشور تحریم‌شونده تأثیر می‌گذارد و این را می‌توان یکی از پایه‌های اصول اقتصادی محسوب کرد. تصور این است که قطع رابطه تجاری موجب تغییر رفتار می‌شود. با وجود این، در زمینه موفقیت تحریم اقتصادی، به دلیل تجارب گذشته که با یکدیگر دارای تناقض است، بحث فاقد وضوح و پایه تجربی لازم است. همان‌گونه که کوپر می‌گوید، نظریه تحریم اقتصادی اگرچه دارای سابقه طولانی است، ولی سؤال درباره موفقیت آن به دهه ۱۹۳۰ برمی‌گردد (Bergeljk, 1989: 404).

با شناسایی ابهامات موجود در زمینه تحریم اقتصادی، مطالعات موجود یافته‌هایی تجربی

در مورد تحریم‌های اقتصادی پیشنهاد می‌کنند که به هنگام مقایسه با دیگر انتخاب‌های سیاسی، مانند مداخله نظامی احتمال موفقیت تحریم را آشکار می‌کند. به لحاظ تاریخی، زمانی تحریم‌ها به هدف اقتصادی‌شان دست می‌یابند (برای مثال، تأثیر آنها باعث تخریب اقتصاد کشور هدف می‌شود) که:

۱. هزینه‌های تحریم بر اقتصاد کشور هدف بیش از ۲ درصد تولید ناخالص ملی^۱ آن را کاهش دهد؛
 ۲. تفاوت زیادی در توانایی اقتصادی بین فرستنده اولی و هدف موجود باشد (نسبت تولید ناخالص ملی ده به یک)؛
 ۳. کشور هدف، تمرکز تجاری بالایی بر اعمال‌کننده داشته باشد (بیشتر از ۲۵ درصد از کل تجارت کشور هدف)؛
 ۴. تحریم‌ها سریع، با بالاترین شدت و با همکاری کامل آن دسته از شرکای تجاری که ممکن است در چنین سازوکاری خلل وارد کنند، تحمیل شود؛
 ۵. هزینه تداوم تحریم‌ها بر کشور تحمیل‌کننده پایین باشد (لاپز و کارت‌وایت، ۱۳۷۶: ۲۵).
- جهات دیگر منافع درخصوص موارد فوق تجربی است. تحریم‌هایی که در ابتدا با تحدیدات مالی همراه است، مانند انسداد دارایی‌ها و وام‌های موجود در بانک‌های خارجی، درجه موفقیت سیاسی بالاتری (۴۱ درصد) نسبت به تحریم‌هایی دارند که به‌طور گسترده بر تجارت تحمیل می‌شوند (۲۵ درصد) (همان).

۱-۱ طبقه‌بندی تحریم‌های اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی اغلب در دو شکل اساسی ذیل اعمال می‌شود:

۱-۱-۱ ممنوعیت‌های تجاری

مهم‌ترین موارد ممنوعیت‌های تجاری عبارت‌اند از:

1. Gross National Product (GNP)

۱. سهمیه‌بندی، تحدید و توقف کلی صادرات و واردات؛
۲. سیاست تبعیض‌آمیز تعرفه‌ای، شامل رد همکاری بیشتر با کشور هدف و پذیرش امتیاز تعرفه‌ای عمومی؛
۳. تعلیق و لغو موافقت‌نامه‌های تجاری و پروژه‌های مشترک و ممنوع کردن صادرات تکنولوژی؛
۴. تهیه لیست سیاهی از معاملات تجاری در حال انجام توسط کشور هدف؛
۵. قطع، تعلیق و لغو کمک‌های فنی و برنامه‌های آموزشی.

۱-۱-۲ ممنوعیت‌های مالی

ممنوعیت مالی نیز جنبه دیگری از تحریم‌های مالی بوده و به یکی از اشکال ذیل اعمال شدنی است:

۱. ممنوعیت بیمه‌ها و سایر خدمات مالی؛
۲. مالیات بر صادرات کشور؛
۳. ایجاد محدودیت‌های مالی و بانکی؛
۴. تحریم نقل و انتقالات مالی؛
۵. مسدود کردن دارایی‌های خارجی کشور؛
۶. ایجاد ممنوعیت در فروش نفت خام و واردات و فرآورده‌های نفتی؛
۷. ایجاد اختلال در گشایش اعتبار اسنادی برای تجار کشور؛
۸. ایجاد موانع در جذب سرمایه‌گذاری خارجی (مؤسسه تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۷: ۱۰-۷).

۱-۲ اهداف تحریم‌های اقتصادی

در این بخش از مطالعه اهداف تحریم‌های اقتصادی در دو بخش اهداف کلی تحریم و اهداف تحریم اقتصادی ایران بررسی می‌شود.

به‌رغم آنکه تحریم‌های اقتصادی با هدف وادار ساختن کشور تحریم شده به تغییر رفتار

و خط‌مشی سیاسی، از طریق تحمیل فشارهای اقتصادی، به‌ندرت موفقیت‌آمیز بوده‌اند، اما همچنان به‌صورت گسترده به‌کار گرفته می‌شوند. به‌طوری‌که درصد موفقیت تحریم‌های اقتصادی در طول سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، در بهترین وضعیت، حدود ۳۴ درصد بوده است (لاپز و کارت‌وایت، ۱۳۷۶: ۱۲). با این حال تحریم‌های اقتصادی ابزاری برای مجازات، تنبیه و ترغیب کشورها و افراد به تمکین در انجام رفتاری خاص است. بنابراین اهداف مختلفی را می‌توان از اجرای تحریم در نظر گرفت. به‌طور کلی کشورهای تحریم‌کننده با تحریم‌های اقتصادی کشورهای هدف، اهداف زیر را دنبال می‌کنند:

۱. بازدارندگی: ^۱ تهدید به تحریم به‌منظور جلوگیری از نقض تحریم؛
۲. پیروی: ^۲ تغییر برخی از جنبه‌های سیاست داخلی و خارجی کشور هدف؛
۳. تنبیه: ^۳ هنگامی که برای به‌وجود آوردن تغییر بسیار دیر است یا این امر بسیار مشکل به‌نظر می‌رسد، تنها هدف اعمال تحریم می‌تواند تغییر رفتار نادرست باشد؛
۴. بی‌ثباتی: ^۴ این هدف معمولاً با تحریم‌های یک‌جانبه و در برخی موارد تحریم‌های چندجانبه به‌دست می‌آید؛
۵. محدود کردن اختلاف: ^۵ تحریم‌های تسلیحاتی نمونه‌ای از تحریم‌هایی است که به دنبال این هدف اعمال می‌شوند؛
۶. یکپارچگی: ^۶ هدف برخی فرستنده‌های تحریم، تقلید از کشورهای دوست است تا بتوانند از طریق آن حمایت خود را از این کشورها نشان دهند؛
۷. نمادگری: ^۷ مقصود از این هدف، ارائه شواهدی دال بر نارضایتی فرستنده به مخاطبان و همچنین طرف دریافت‌کننده است، اما هیچ‌گونه خسارت مالی جدی به همراه ندارد؛

-
1. Compliance
 2. Deterrence
 3. Punishment
 4. Destabilization
 5. Limitation of Conflict
 6. Solidarity
 7. Symbolism

۸. سیگنال دادن:^۱ این نوع هدف به دنبال نشان دادن تصمیم قطعی بر ایجاد خسارت مادی به وجود می آید؛

۹. تحمیل: موقعیت‌هایی که در آن به هدف فشار می‌آورد تا به منظور تغییر وضع موجود، کار خاصی را انجام دهد مانند اعمال فشار به رئیس حکومت برای پذیرش نتیجه انتخابات؛

۱۰. ممانعت: در اینجا هدف تحت فشار قرار می‌گیرد تا عمل خاصی را به منظور تغییر وضعیت موجود انجام ندهد. مانند استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی (همان: ۲۷-۲۵).

۳-۱ درجه‌بندی موفقیت تحریم

در خلاصه کردن موفقیت تعدادی از رخدادهای مربوط به تحریم، بین درجه‌بندی بر مبنای اثباتی و سطحی و درجه‌بندی با به کارگیری تفسیر عمیق‌تر، نوعی تبادل نابرابر وجود دارد. مطابق گزارش‌های موجود، معمولاً کشورهای سلطه‌طلب برای «در خط» نگه داشتن کشورهای کوچک مخصوصاً کشورهایی که به طور سنتی «دوست» و دست‌نشانده بودند، تحریم‌ها را به کار گرفته‌اند. تقریباً یک سوم از این رخدادهای با معیار خودشان با موفقیت پایان یافته‌اند، بدین معنا که کشورها اهداف اولیه و اعلان شده از تحریم را به دست آورده‌اند. چه این اهداف عاقلانه یا غیرعاقلانه انتخاب شده باشد (همان: ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۴۱ و ۱۴۲).

در بسیاری از موارد تحریم‌ها موجب تضعیف هنجارهای تثبیت شده اقتصادی، مالی و حقوقی رژیم بین‌المللی موجود شده‌اند. اعمال دسته‌جمعی تحریم‌ها موجب تقویت سیستم همکاری بین‌المللی بر اساس ارزش‌ها، استانداردها و نهادهای مشترک شده‌اند همان‌طور که در بعضی موارد دیگر رد کردن تحریم‌های دسته‌جمعی آن را تضعیف کرده است. به‌طور کلی ابزار نفوذ دولت‌ها به ترتیب افزایش اجبار، عبارت‌اند از:

۱. متقاعدسازی و تبلیغات؛

۲. دیپلماسی (شامل چانه‌زنی، مصالحه و بده بستان)؛

۳. تحریم‌های اقتصادی؛

۴. اقدام نظامی اعم از آشکار و پنهان.

در مورد چگونگی کارایی ابزارها و نفوذ، پرسش‌هایی وجود دارد. در این زمینه هافباور، اسکات و بالدوین تا حدودی تجدیدنظرطلب‌اند و با این دیدگاه که تحریم‌های اقتصادی کارایی خوبی ندارند، مخالف هستند. آنها نتیجه گرفته‌اند که اگر به همه موارد تحریم‌های اقتصادی توجه شود، ملاحظه می‌گردد که تحریم‌ها بیش از آنچه گفته می‌شود، مؤثر بوده‌اند. در هجده مورد از ۴۴ مورد که گفته می‌شود دولت تحریم‌کننده در پی تغییر یک خط‌مشی سیاسی نسبتاً متوسط در دولت تحریم‌شونده، نظیر گسترش تسلیحات اتمی و حقوق بشر، بوده است، هافباور و اسکات بیشترین نمره موفقیت یعنی ۹ را تعیین می‌کنند (همان: ۱۴).

همچنین نتایج سایر مطالعات، فقدان هرگونه همبستگی آماری قابل توجه بین موفقیت و میزان همکاری بین‌المللی در تحمیل تحریم‌هاست. در بسیاری از تحریم‌های موفق، دولت تحریم‌کننده درصدد جلب همکاری دولت‌های دیگر برنیامده است.

این مطالعات نشان می‌دهد که در زمینه‌های بسیار محدودی موفقیت حاصل شده است. بیشتر تحریم‌هایی که موفق به تغییر «خط‌مشی‌های سیاسی متوسط» یک دولت شده‌اند، شامل تحریم‌هایی است که علیه دولت‌های دوست یا بی‌طرف اعمال شده است، نه دولت‌های دشمن. در مقولات دیگر، موفقیت زمانی حاصل شده که هدف دولت تحریم‌کننده بی‌ثبات کردن حکومت تحریم‌شده - همراه با به‌کارگیری ابزارهای دیگر مثل اقدام پنهان - بوده است، و همچنین در تلاش‌هایی که برای قطع ماجراجویی کوچک نظامی متحدین با دولت‌های بی‌طرف صورت پذیرفته، موفقیت حاصل شده است.

براساس اندازه‌گیری‌هایی که هافباور و اسکات به‌عمل آورده‌اند، تلاش‌هایی که برای تغییر دادن خط‌مشی‌های اصلی سیاسی دولت‌های تحریم‌شده است، تضعیف توان بالقوه نظامی این‌گونه دولت‌ها و قطع ماجراجویی نظامی دولت‌های متخاصم صورت پذیرفته عملاً

ناموفق بوده است. موفقیت بیشتر زمانی حاصل شده است که دولت یا حکومت تحریم شده از لحاظ سیاسی و اقتصادی ضعیف بوده‌اند. به نظر می‌رسد میزان موفقیت تحریم‌های اقتصادی در سی سال گذشته به مراتب کاهش یافته است، به‌ویژه در موارد تغییر خط‌مشی‌های سیاسی متوسط که از دهه ۱۹۷۰ بخشی از سیاست خارجی ایالات متحده بوده است.

آثار و کارکردهای تحریم، طیف گسترده‌ای از اهداف را شامل می‌شود که حد اعلای آن تغییر دولت‌ها و حد پایین آن خنثی بودن تحریم است. مطالعات در مورد کاربردهای تحریم اقتصادی در قرن بیستم نشان می‌دهد که از آغاز به‌کارگیری ابزار تحریم، حدود یک‌سوم تحریم‌ها با موفقیت همراه بوده که مهم‌ترین دلیل آن محدود بودن اهداف تحریم نظیر تغییرات اندک سیاسی بوده است؛ یعنی اساساً در چنین وضعیتی احتمال موفقیت تحریم افزایش می‌یابد. در خصوص زمان، نحوه و شدت تحریم، راهبردهای متعددی وجود دارد که در این مورد، برخی از مهم‌ترین گزاره‌های راهبردی را که متأثر از تجارب اعمال تحریم بوده است، می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. هرچه اعتبار کشور هدف بیشتر باشد، عاملی تهدیدکننده برای تحریم محسوب می‌شود و در صورت کاهش آن، اعمال تحریم راحت‌تر انجام می‌شود؛
۲. هر چقدر کشور هدف به کالای خاص در تجارت بین‌الملل وابسته‌تر باشد، احتمال تحریم آن کشور و آن بخش بیشتر است؛
۳. هرچه به دلیل تحریم، نظام سیاسی در داخل کشور بیشتر مورد تهدید و چالش قرار گیرد، احتمال بیشتری برای اعمال و موفقیت تحریم وجود دارد.
۴. هرچه توافق منطقه‌ای و بین‌المللی پیرامون وجود تهدیدی خاص بیشتر باشد، امکان بیشتری وجود دارد که همان موضوع منبع و منشأ آن تحریم قرار گیرد (همان: ۲۳-۲۲).

مؤثرترین و گسترده‌ترین مطالعه بر کارایی تحریم‌ها مربوط به مؤسسه اقتصاد بین‌الملل^۱ است که ۱۱۶ مورد تحریم را در فاصله سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۹۰ عنوان کرده است و با استفاده

از سیستم درجه‌بندی، سعی بر تعیین این نکته دارد که آیا تحریم‌ها در کشور هدف، مقاصد کشور تحریم‌کننده را برآورده ساخته و آیا سبب اصلی تغییرات در کشور هدف بوده است؟ طبق نتایج این مطالعه، میزان موفقیت کلی برای ۱۱۶ مورد، تنها ۳۴ درصد بوده است. به این ترتیب این تحریم‌ها به‌طور متوسط در یک‌سوم حد انتظار ظاهر شده‌اند. همچنین ۵۳ مورد از آنها، تحریم‌های یک‌جانبه اعمال شده از سوی ایالات متحده علیه کشورهای مختلف بوده که تنها ۶ مورد از آنها موفق تشخیص داده شده است (حدود ۱۲ درصد موفقیت) و پنج مورد از آنها، شامل قطع کمک‌های مالی، وام‌ها و سرمایه‌گذاری تجاری بوده‌اند (همان: ۲۵). اگرچه در هیچ‌یک از موارد تحریم، تسلیم کامل و فوری کشور هدف رخ نداده است، اما بررسی نتایج یازده مورد تحریم سازمان ملل در دهه ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که در سه مورد عراق، یوگسلاوی و لیبی موفقیت متوسط به بالایی حاصل شده است. در چهار مورد هائیتی، آنگولا، سیرالئون و سومالی تحریم‌ها دارای اثرهای بسیار محدود و موقتی برای ایجاد گفت‌وگو بودند، و هیچ‌گونه فشار شدید یا تغییر در سیاست‌های دولت هدف به‌وجود نیامد. لذا بررسی سه تحریم موفق از یازده فقره تحریم، مؤید ۲۷ درصد نرخ کارایی تحریم‌هاست. اگر مورد کامبوج هم اضافه شود کارایی آنها به ۳۶ درصد نیز می‌رسد (همان: ۳۶-۳۱).

۲ بررسی تقویم زمانی تحریم‌های اقتصادی علیه ایران بعد از دهه ۱۹۹۰
در این بخش تحریم‌های اقتصادی که از دهه ۱۹۹۰ به بعد علیه ایران اعمال شده است به همراه جزئیات آنها معرفی و تبیین می‌شود.

۱-۲ دوران بازسازی (دوره بوش پدر: ۱۹۹۲-۱۹۸۹)

در سال ۱۹۹۲ قانون «منع گسترش تجهیزات نظامی ایران و عراق»^۱ تصویب شد. این قانون

صادرات کلیه ماشین‌آلات و تجهیزاتی را که به‌طور غیرمستقیم دارای کاربرد نظامی هستند، منع کرد و به تمام کمک‌های اقتصادی به ایران پایان داد.

۲-۲ مهار دوجانبه و قانون تحریم ایران - لیبی (دوره کلینتون: ۱۹۹۳-۲۰۰۱)

۱. سال ۱۹۹۳: تدوین سیاست مهار دوجانبه توسط دولت کلینتون.
۲. مارس ۱۹۹۵: دولت کلینتون، به‌دلیل حمایت ایران از تروریسم و مخالفت با صلح خاورمیانه، هرگونه مشارکت شرکت‌های آمریکایی را در توسعه صنعت نفت ایران منع کرد.
۳. مه ۱۹۹۶: کلینتون همه مبادلات اقتصادی با ایران را تحریم کرد.
۴. آوریل ۱۹۹۶: قانون «ضد تروریسم و مجازات مرگ» تصویب و هرگونه مبادلات مالی با ایران منع شد و از کمک‌های مالی به کشورهای که تجهیزات و خدمات در اختیار ایران قرار می‌دهند، جلوگیری به‌عمل آمد.
۵. اوت ۱۹۹۶: تصویب قانون «تحریم ایران - لیبی»؛^۱ این قانون دولت آمریکا را موظف کرد تا هر شرکت خارجی را که بیشتر از بیست میلیون دلار در صنعت نفت ایران سرمایه‌گذاری کند، تحریم و مجازات کند.

کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در ۲۹ شهریور ۱۳۷۴ (۲۰ سپتامبر ۱۹۹۵) با تصویب طرح داماتو اجازه یافت شرکت‌های غیرآمریکایی را که فناوری صنعت نفت را در اختیار ایران قرار می‌دادند، تحریم کند. قانون داماتو پس از ادغام با طرح «بنیامین گیلمن» رئیس صهیونیست کمیسیون روابط بین‌الملل مجلس نمایندگان آمریکا که محتوایی مشابه قانون داماتو داشت در قالب قانون مجازات ایران و لیبی در ۱۴ مرداد ۱۳۷۵ (۵ اوت ۱۹۹۶) در کنگره آمریکا تصویب شد و سپس به امضای کلینتون رسید و برای مدت پنج سال اجرا شد (اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۲). تحریم‌های احتمالی تعامل عدم صدور مجوز صادراتی، ممنوعیت دریافت وام و اعتبار از مؤسسات مالی آمریکا، امتناع از ارائه فرصت‌های خرید دولتی توسط

آمریکا و ممنوعیت واردات از شرکت متخلف به آمریکا از مفاد این طرح بوده است (صادقی یارندی و طارم‌سری، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

۶. اوت ۱۹۹۷: بخش‌نامه ۱۳۰۵۹ دولت کلیتون صادرات به کشورهای که قصد صدور مجدد کالاهای آمریکایی به ایران را داشتند، منع کرد.

۷. مه ۱۹۹۸: دولت کلیتون اعلام کرد شرکت‌های توتال فرانسه و شرکای آن به سبب سرمایه‌گذاری در پروژه پارس جنوبی تحریم نخواهند شد و از تحریم مربوط به «قانون تحریم ایران - لیبی» مستثناست.

۸. ژوئن ۱۹۹۸: دولت کلیتون قانون تحریم «منع گسترش توانایی موشکی ایران» را تو کرد.

۹. ژوئیه ۱۹۹۸ و ژانویه ۱۹۹۹: دولت کلیتون ۱۰ مؤسسه روسی را به دلیل مشارکت در توسعه صنعت موشک‌سازی ایران تحریم کرد.

۱۰. آوریل ۱۹۹۹: کلیتون با صدور بخش‌نامه‌ای صادرات مواد غذایی و دارویی را به ایران، لیبی و سودان آزاد کرد.

۱۱. سپتامبر و نوامبر ۱۹۹۹: دولت آمریکا تحریم‌های جدیدی علیه ایران صادر کرد و کلیتون شرکت بوئینگ را در مورد صدور قطعات برای هواپیماهایی که پیش از تحریم به ایران فروخته شد و هنوز ضمانت دارند، از قانون تحریم مستثنا کرد.

۱۲. نوامبر ۲۰۰۰: «قانون منع گسترش قوه نظامی ایران»^۱ تصویب شد که هدف آن جلوگیری از صدور تکنولوژی نظامی به ایران بود. به‌ویژه این قانون پرداخت کمک مالی به روسیه را منوط به رعایت قوانین تحریم آمریکا کرد.

۱۳. مارس ۲۰۰۰: آلبرایت وزیر خارجه آمریکا، تحریم برخی از صادرات غیرنفتی از جمله فرش، خاویار و پسته را لغو کرد.

۱۴. اکتبر ۲۰۰۰: تصویب «قانون اعتبارات کشاورزی»؛ این قانون کشورهایی را که در لیست کشورهای تروریستی بودند، از دریافت ضمانت‌نامه‌های صادراتی آمریکا محروم کرد.

1. Iran Nonproliferation Act, 2000.

۳-۲ از سال ۲۰۰۱ تاکنون (دوره بوش پسر و باراک اوباما)

۱. ژانویه ۲۰۰۱: تحریم شرکت کره‌ای (با استفاده از قانون منع گسترش قوه نظامی ایران) به سبب فروش قطعات صنعتی به ایران.

۲. ژوئن ۲۰۰۱: تحریم شرکت کره‌ای و دو شرکت چینی به سبب فروش قطعات صنعتی به ایران.

۳. اوت ۲۰۰۱: تمدید قانون تحریم ایران - لیبی برای یک دوره پنج‌ساله.

۴. مه ۲۰۰۳: تحریم چند شرکت مالدیویایی، ارمنی و چینی به سبب فروش قطعات و کالاهای صنعتی به ایران.

۵. دستور اجرایی ۱۳۳۸۲ ژوئن سال ۲۰۰۵: براساس این قانون، جورج بوش دستور^۱ مسدود کردن دارایی افرادی که در فعالیت هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی همکاری داشته‌اند و عضوی از شبکه حامیان چنین فعالیت‌هایی هستند، صادر کرد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۸). این اقدام با صدور دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ در دسامبر سال ۲۰۰۱ به منظور مسدود کردن دارایی اشخاص مظنون به حمایت و ارتکاب اعمال تروریستی به اجرا درآمد.^۲

۶. ژوئیه ۲۰۰۶ (قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت سازمان ملل): شورای امنیت سازمان ملل روز ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶ با چهارده رأی موافق در برابر یک رأی ممتنع (اندونزی) قطعنامه ۱۶۹۶ را علیه ایران صادر کرد که طی آن از ایران خواست غنی‌سازی اورانیوم را تعلیق کند.

در بند «۵» این قطعنامه عنوان شده است: «از تمام دولت‌ها می‌خواهد که براساس اختیارات قانونی و قوانین خود با هوشیاری از انتقال هرگونه اqlام، مواد اجناس و فناوری که بتواند به فعالیت‌های ایران در زمینه‌های مربوط به غنی‌سازی، فراوری و برنامه‌های موشکی بالستیکی کمک کند، جلوگیری نماید».

همچنین در بند «۸» این قطعنامه عنوان شده است در صورتی که ایران مفاد قطعنامه را به

1. Executive Order 13382 (June 28, 2005).

2. Executive Order 13224 (December 23, 2001).

اجرا نگذارد، مفاد ماده (۴۱)^۱ فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد به منظور ترغیب ایران به رعایت مفاد مذکور اعمال شود (مؤسسه تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۷).

۷. دسامبر ۲۰۰۶ (قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت علیه ایران): این قطعنامه که در ادامه قطعنامه ۱۶۹۶ به تصویب رسید ضمن تأکید بر عدم تعلیق غنی‌سازی ایران و همکاری نکردن با آژانس، ایران را ملزم می‌کند که باید بدون تأخیر اقدامات مقرر شده در قطعنامه ۱۶۹۶ را اعمال نماید و اقداماتی را برای ایجاد اعتماد نسبت به مقاصد صرفاً صلح‌آمیز انجام دهد.

در بند «۳» این قطعنامه عنوان شده است: «تصمیم می‌گیرد که همه کشورها باید اقدامات لازم را به منظور ممانعت از عرضه، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم از سرزمینشان یا به وسیله اتباعشان، یا با استفاده از کشتی‌ها و هواپیماهای تحت پرچمشان و یا استفاده در ایران و به‌کارگیری در راستای منافع آن - اعم از اینکه منشأ آن در قلمروشان بوده یا نباشد - نسبت به کلیه اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری که می‌تواند به فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی، بازفراوری یا آب سنگین ایران، یا به توسعه سیستم‌های پرتاب سلاح هسته‌ای کمک نماید، به مورد اجرا گذارند». همچنین در بند «۶» قطعنامه عنوان شده است که همه کشورها باید اقدامات مورد نیاز به منظور جلوگیری از فراهم آوردن هرگونه مشارکت فنی یا آموزشی، کمک مالی، سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری یا سایر خدمات و انتقال منابع مالی یا خدمات مرتبط با عرضه فروش، انتقال تولید یا استفاده از اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری ممنوع تعیین شده را اجرا کنند.

همچنین در بند «۱۲» قطعنامه عنوان شده است که دولت‌ها باید تمام اعتبارات، دارایی‌های مالی و سایر منابع اقتصادی که در تاریخ پذیرش این قطعنامه و یا هر زمان دیگری پس از آن در قلمروشان قرار دارد و متعلق یا در کنترل اشخاص یا نهادهایی هستند

۱. ماده (۴۱) فصل هفتم منشور سازمان ملل: «شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا انجام کدام اقدامات متضمن به‌کارگیری نیروهای مسلح نباشد و می‌تواند از اعضای سازمان ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی، ارتباطات ریلی، دریایی، هوایی، پستی، تلگراف، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی را شامل شود».

که در پیوست قطعنامه مشخص شده است،^۱ یا دیگر اشخاص و نهادهایی که شورای امنیت یا کمیته تشخیص دهد که ... مسدود کنند و در صورتی که شورای امنیت یا کمیته نام آنها را از پیوست حذف نماید، تدابیر این بند با این افراد یا نهادها اجرا نخواهد شد.

در بند «۱۴» قطعنامه نیز دولت‌ها مجاز شده‌اند تا بهره یا سایر عواید متعلقه یا پرداخت‌های مربوط به قراردادهای، توافق‌نامه‌ها یا تعهدات مالی تنظیم شده از تاریخ توقیف دارایی‌ها طبق بند «۱۲» که موضوع این قطعنامه قرار گرفته‌اند، به حساب‌های مزبور واریز کنند، مشروط بر آنکه تمام این عواید و سودها نیز مسدود بمانند (همان).

۸. مارس سال ۲۰۰۷ (قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت علیه ایران): پیش‌نویس این قطعنامه را که توسط کشورهای فرانسه، آلمان و انگلستان و در سند ۱۷۰/۲۰۰۷ ارائه شده بود در ۲۴ مارس ۲۰۰۷ به تصویب شورای امنیت رسید.

طبق بند «۶» این قطعنامه از همه کشورهای خواسته شده است تا در تأمین، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم مواد یا سلاح مربوط از خاک خود یا از طریق اتباع، کشتی، ناو هواپیمابر، خودرو جنگی، تانک، سیستم‌های آتش‌بار سنگین، ناو جنگی، هلیکوپتر جنگی، موشک، سیستم‌های موشکی که ... و همچنین در مورد هرگونه کمک یا آموزش فنی، کمک مالی، سرمایه‌گذاری یا خدمات دیگر و انتقال منابع، خدمات یا کمک مالی در تأمین فروش، انتقال، ساخت یا استفاده از این قطعنامه برای جلوگیری از انباشت ویرانگرانه تسلیحات مراقب باشند.

بند «۷» قطعنامه تأکید دارد که کشورها هیچ تعهدی را درباره هرگونه کمک مالی و وام جدید به جمهوری اسلامی ایران را، جز اهداف بشردوستانه و توسعه، نپذیرند (همان).

۹. دسامبر ۲۰۰۶ و ژانویه، ژوئن و اکتبر ۲۰۰۷: در تاریخ‌های یاد شده تحریم‌هایی علیه بانک‌های سپه، صادرات، سپاه پاسداران و وزارت دفاع اعمال شد. که براساس ادعای

۱. نهادها و افراد درگیر در برنامه هسته‌ای و موشک‌های بالستیک ایران عبارت‌اند از: ۱. سازمان A؛ ۲. شرکت انرژی B؛ ۳. کالا-الکترونیک C؛ ۴. شرکت پارس D؛ ۵. شرکت فرایند E؛ ۶. سازمان F؛ ۷. گروه هفت G؛ ۸. گروه صنعتی H؛ ۹. گروه صنایع I و ۱۰. گروه صنایع J همچنین افراد درگیر در این برنامه‌ها عبارت‌اند از: ۱. محمد K؛ ۲. بهمن L؛ ۳. داود M؛ ۴. احسان N؛ ۵. جعفر O؛ ۶. علی P؛ ۷. محمد Q؛ ۸. حسین R؛ ۹. احمد S؛ ۱۰. رضا T؛ ۱۱. مرتضی U و ۱۲. یحیی V.

شورای امنیت، دلیل اصلی آن حمایت مالی از تروریسم و حزب... لبنان و همچنین تلاش برای دستیابی به سلاح کشتار جمعی و حمایت از آن بود. براساس این ۲۷ تن از افراد عضو سپاه پاسداران، نیروی قدس سپاه پاسداران و شرکت‌های ایرانی نیز براساس دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ که مدعی بود نیروی قدس سپاه پاسداران تجهیزات لازم را برای طالبان، حزب... لبنان، حماس و دیگر گروه‌ها فراهم می‌کند، تحریم کرد.

از این رو، در ژوئن ۲۰۰۷ خزانه‌داری (بانک مرکزی) آمریکا چهار شرکت ایرانی (پارس تراش، فرایند تکنیک، گروه صنعتی فجر و گروه ماشین‌سازی میزان) را که بنابر ادعای شورای امنیت در فعالیت‌های تولید و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای ایران نقش داشتند، شناسایی کرد و در ژانویه ۲۰۰۷ نیز بانک سپه را به ادعای آنکه از حامیان تولید و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای بود، تحریم کرد. طبق دستور اجرایی ۱۳۳۸۲ دسترسی این بانک به سیستم مالی ایالات متحده قطع شد و توانایی این بانک برای انجام مبادلات با ارز دلار کاهش یافت. همچنین براساس گزارش خزانه‌داری آمریکا در دسامبر ۲۰۰۶، خزانه‌داری قوانین منع تجارت را به منظور توقف انتقال میلیون‌ها دلار به حزب...، حماس و جهاد اسلامی فلسطین را از طریق بانک صادرات ایران اعمال کرده است.

۱۰. مارس سال ۲۰۰۸ قطعنامه شورای امنیت علیه ایران^۱ این قطعنامه نیز در ۳ مارس سال ۲۰۰۸ میلادی (۱۳۸۶/۱۲/۱۳) با چهاره رأی مثبت و یک رأی ممتنع (اندونزی) به تصویب رسید. ضمن تنفیذ بندهای «۳»، «۶» و «۱۲» قطعنامه ۱۷۳۷ و بندهای «۶» و «۷» قطعنامه ۱۷۴۷ در بند «۹» این قطعنامه عنوان شده است، شورا از تمامی کشورها می‌خواهد در پذیرفتن تعهدات

۱. در این قطعنامه علاوه بر شرکت‌ها و افرادی که در قطعنامه ۱۷۳۷ مشخص شده‌اند، شرکت‌ها و افراد ذیل اضافه شده‌اند:
الف) شرکت‌ها: ۱. شرکت ایزار A؛ ۲. شرکت‌های بازرگانی B؛ ۳. شرکت الکترونیکی C؛ ۴. گروه فنی D؛ ۵. کارخانجات صنعتی E؛ ۶. آزمایشگاه F؛ ۷. شرکت صنعتی G؛ ۸. صنایع متالورژی H؛ ۹. شرکت تولیدی I؛ ۱۰. صنایع انرژی I؛ ۱۱. شرکت تهیه تجهیزات K و ۱۲. شرکت L.
ب) افراد: ۱. امیر M؛ ۲. محمد N؛ ۳. عباس O؛ ۴. هاله P؛ ۵. مرتضی Q؛ ۶. محمد R؛ ۷. حسین S؛ ۸. محمدجواد T؛ ۹. حمیدرضا U؛ ۱۰. محمدرضا V؛ ۱۱. هوشنگ W؛ ۱۲. عباس X؛ ۱۳. قاسم Y؛ ۱۴. بهنام Z؛ ۱۵. جابر A و ۱۶. امیر B.

جدید عمومی برای کمک‌های مالی به تجارت با ایران، از جمله ارائه اعتبارنامه‌های صادرات، ضمانت‌نامه‌ها یا بیمه‌نامه‌ها، به اتباع خود یا سازمان‌هایی که در چنین تجارت‌هایی دست دارند، هوشیار باشند تا از اعطای چنین کمک‌های مالی اجتناب ورزند که ممکن است به تولید و تکثیر فعالیت‌های حساس هسته‌ای، توسعه سیستم‌های پرتابی و حمل تسلیحات هسته‌ای منجر شود.

همچنین در بند «۱۰» این قطعنامه عنوان شده است، شورا از تمامی کشورها می‌خواهد بر فعالیت‌های مؤسسات مالی خود با تمامی بانک‌های موجود در ایران، خصوصاً بانک‌های ملی و صادرات و شعب زیرمجموعه‌های آنها در خارج از این کشور، هوشیار باشند تا چنین اقداماتی به گسترش فعالیت‌های حساس هسته‌ای یا توسعه سیستم‌های پرتابی تسلیحات هسته‌ای منجر نشود.

۱۱. سپتامبر ۲۰۰۸ (قطعنامه ۱۸۳۵ شورای امنیت علیه ایران): تمامی موارد مطروحه در قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت در این قطعنامه (۱۳۸۵) نیز تنفیذ شد و شورا اعلام کرد که مصمم است این مسئله را همچنان در دستور کار خود قرار دهد.

۱۲. سپتامبر ۲۰۰۸: در این تاریخ شرکت کشتی‌رانی و شرکت هواپیمایی کشوری را آمریکا تحریم کرد. که این امر به دلیل دستیابی ایران به مواد لازم برای تولید سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی صورت گرفت.

۱۳. اکتبر ۲۰۰۸: در این تاریخ بانک توسعه صادرات ایران به دلیل کمک به برنامه تسلیحاتی و هسته‌ای ایران از جانب آمریکا تحریم شد.

۱۴. ژوئن ۲۰۱۰ (قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت علیه ایران): این قطعنامه در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۰ با دوازده رأی مثبت، دو رأی منفی (برزیل و ترکیه) و یک رأی ممتنع (لبنان) به تصویب رسید.^۱

۱. با اشاره به نگرانی جدی که، بنابر گزارش‌های مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تاریخ‌های ۲۷ فوریه ۲۰۰۶، ۸ ژوئن ۲۰۰۶، ۳۱ اگوست ۲۰۰۶، ۱۴ نوامبر ۲۰۰۶، ۲۲ فوریه ۲۰۰۷، ۲۳ مه ۲۰۰۷، ۳۰ اگوست ۲۰۰۷، ۱۵ نوامبر ۲۰۰۷، ۲۲ فوریه ۲۰۰۸، ۲۶ مه ۲۰۰۸، ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۸، ۱۹ نوامبر ۲۰۰۸، ۱۹ فوریه ۲۰۰۹، ۵ ژوئن ۲۰۰۹، ۲۸ اگوست ۲۰۰۹، ۱۶ نوامبر ۲۰۰۹، ۱۸ فوریه ۲۰۱۰ و ۳۱ مه ۲۰۱۰، ایران تعلیق کامل و مداوم تمام فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری و پروژه‌های مرتبط با آب سنگین را به اجرا درنیاورده است. موارد مذکور در قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷) و ۱۸۰۳ (۲۰۰۸) درخواست شده است.

به طور کلی فرایند و دلایل تصمیم گیرندگان و ماهیت تحریم های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران از دهه ۱۹۹۰ تا کنون در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱ روند تحریم های اقتصادی علیه ایران

تاریخ	دلایل اعمال تحریم	تصمیم گیرندگان	ماهیت تحریم
۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱	دستیابی ایران به مواد لازم برای تولید سلاح های شیمیایی و بیولوژیکی	وزارت بازرگانی	تحریم صادرات موادی که بتوانند در تولید سلاح های شیمیایی و بیولوژیکی به کار روند
۱۹۹۲	تمایل اروپا به ایجاد روابط اقتصادی گسترده با ایران	آمریکا از اروپا خواست تا خلأ ایجاد شده را برطرف کند	توتال اولین قرارداد خارجی نفت را با ایران منعقد کرد
۲۳ اکتبر ۱۹۹۲	دستیابی ایران به فناوری کاربرد سلاح های نظامی	بوش پدر، قانون کنگره در خصوص دفاع و امنیت ملی را به امضا رساند	تحریم صادرات کالاهای دو منظوره به ایران و لغو قرارداد کونوکو
مه ۱۹۹۳	منافع ایالات متحده در خلیج فارس	بدنه وزارت امور خارجه آمریکا و مخزن های اندیشه	مهار دوجانبه ایران و عراق
۵ مه ۱۹۹۵	مخالفت ایران با برقراری صلح خاورمیانه، حمایت از تروریسم و تلاش برای کسب سلاح های کشتار جمعی	کلینتون به استناد ماده (۲۰۲) و (۲۰۳) قانون بین المللی اعمال قدرت اقتصادی در وضعیت فوق العاده	اعمال تحریم های جامع در تمامی زمینه های بازرگانی و سرمایه گذاری
۵ اوت ۱۹۹۶	حمایت و تأمین مالی تروریسم و سرمایه گذاری	قانون تحریم های ایران و لیبی (قانون داماتو)	ایالات متحده هر شرکت خارجی را که بیش از بیست

جدول ۱ روند تحریم‌های اقتصادی علیه ایران

تاریخ	دلایل اعمال تحریم	تصمیم‌گیرندگان	ماهیت تحریم
	شرکت‌های اروپایی در ایران		میلیون دلار در بخش نفت ایران سرمایه‌گذاری کند، مجازات خواهد کرد.
۲۸ آوریل ۱۹۹۹	انتخاب سیدمحمد خاتمی و دولت آمریکا به دنبال ایجاد رابطه با ایران	وزیر امور خارجه وقت آمریکا	لغو تحریم صادرات غذا و دارو
مارس ۲۰۰۰	تشکیل مجلس ششم در فوریه سال ۲۰۰۰ و احتمال برقراری رابطه بین ایران و آمریکا	دولت آمریکا	آزادسازی واردات پسته و فرش از ایران
اوت ۲۰۰۱	تشدید روابط خصمانه با روی کار آمدن دولت جدید (بوش پسر)	در پی تصمیم کنگره، بوش پسر تحریم‌های مصوب ۱۹۹۶ را علیه ایران پنج سال دیگر تمدید کرد	شرایط ذکر شده در تحریم داماتو
ژانویه ۲۰۰۲	اتهام پناه دادن به تروریست‌ها	بوش پسر	معرفی ایران به عنوان محور شرارت
فوریه ۲۰۰۴	انتخاب مجلس محافظه کار (اصولگرا) در دوره هفتم	رئیس‌جمهور (بوش پسر) و برخی دیگر از مقامات آمریکا	سخت‌تر شدن سیاست آمریکا در قبال ایران
ژانویه ۲۰۰۵	متهم کردن ایران به داشتن سلاح هسته‌ای	دولت آمریکا و برخی دولت‌های اروپایی	تلاش برای جهت‌دهی افکار جهانی به سمت ایرانی با سلاح هسته‌ای
ژانویه ۲۰۰۶	تداوم متهم کردن ایران به تلاش برای دستیابی به سلاح	تلاش آمریکا، انگلستان، فرانسه و	پشتیبانی بوش پسر از مردم ایران در سخنرانی کنگره،

جدول ۱ روند تحریم‌های اقتصادی علیه ایران

تاریخ	دلایل اعمال تحریم	تصمیم‌گیرندگان	ماهیت تحریم
	هسته‌ای	آلمان برای ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت	تصمیم به گزارش پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت در جلسه گروه (۵+۱) لندن
سپتامبر ۲۰۰۶	حمایت از تروریسم و حمایت از حزب‌ا...	وزارت دارایی آمریکا	تحریم بانک صادرات
ژانویه ۲۰۰۷	حمایت از سلاح کشتار جمعی	وزارت دارایی آمریکا	تحریم بانک سپه
ژوئن ۲۰۰۷	تلاش برای دستیابی به سلاح کشتار جمعی	وزارت دارایی آمریکا	۲۷ تن از افراد و شرکت‌های ایرانی از جمله سپاه پاسداران و بانک ملی
اکتبر ۲۰۰۷	مقابله با تروریسم	وزارت دارایی آمریکا	نیروهای قدس سپاه پاسداران و بانک صادرات
مارس ۲۰۰۸	عدم تبعیت از قطعنامه‌های قبلی و عدم تعلیق	شورای امنیت	افزایش لیست شرکت‌ها و افراد تحت تحریم
۳۰ سپتامبر ۲۰۰۸	عدم تبعیت از قطعنامه‌های قبلی و عدم تعلیق	شورای امنیت	افزایش لیست شرکت‌ها و افراد تحت تحریم
یازده سپتامبر ۲۰۰۸	کمک به برنامه تسلیحاتی و هسته‌ای ایران	دولت و کنگره آمریکا	تحریم معامله با کشتی‌رانی و هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران
۲۳ اکتبر ۲۰۰۸	کمک به برنامه تسلیحاتی و هسته‌ای ایران	دولت و کنگره آمریکا	تحریم بانک توسعه صادرات ایران
۱۹ ژوئن ۲۰۱۰	عدم الزام ایران به تعهدات عدم گسترش تأسیسات هسته‌ای و راه‌اندازی	شورای امنیت	افزایش تحریم بانک‌های ایرانی، تفتیش کشتی‌های حامل بار ایرانی و افزایش لیست

جدول ۱ روند تحریم‌های اقتصادی علیه ایران

تاریخ	دلایل اعمال تحریم	تصمیم‌گیرندگان	ماهیت تحریم
	تأسیسات در قم		شرکت‌ها و افراد تحت تحریم

مأخذ: مؤسسه تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۷، ص ۳۶-۳۵.

۳ بررسی نقش اتحادیه اروپا در اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی علیه ایران

براساس قانون سیاست خارجی و امنیتی مشترک^۱ اجازه داده شده است تا اتحادیه اروپا تمام یا بخشی از روابط خود با کشورهای غیرعضو را کاهش دهد یا قطع کند که شامل جلوگیری از صدور کالاهای اروپایی به کشور تحریم شده و واردات کالا از کشور هدف به اروپاست. تنظیم «اصول اساسی» کاربرد معیارهای بازدارنده در سال ۲۰۰۴ به‌عنوان نخستین سند سیاست تحریم اتحادیه اروپا به‌شمار می‌رود. براساس این اصول زمینه‌هایی که اتحادیه اروپا می‌تواند از اهرم تحریم استفاده کند، مشخص شده‌اند:

- حمایت از فعالیت‌های مبارزه با تروریسم - مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی؛

- حمایت از احترام به حقوق بشر و ... به‌عنوان عوامل بازدارنده.

به‌علاوه در اصول اساسی علاوه‌بر اهداف تحریم، نوع تحریم‌هایی که اتحادیه اروپا می‌تواند از آنها استفاده کند مشخص شده‌اند؛ بنابراین سیاست تحریم اتحادیه اروپا باید شامل برنامه‌های هدفمند مانند سه مورد زیر باشد:

۱. تحریم‌های تسلیحاتی؛

۲. ممنوعیت سفر و صدور ویزا؛

۳. مسدود کردن دارایی‌های اقتصادی.

براساس سه مورد فوق، سه اتحادیه اروپا در دو سال اخیر اقدام به مسدود کردن

دارایی‌های برخی بانک‌های کشورهای کرده است.

۴ نقش لابی صهیونیست در تحریم‌های اعمال شده

برخی روش‌های اعمال نفوذ لابی‌های صهیونیستی بر مراکز انباشت قدرت، ثروت و دانش برای فشار غیرمستقیم بر جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از (فردی‌پور و دلاورپور اقدم، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۲):

۴-۱ دعوت از چهره‌های سیاسی، نظامی و امنیتی کشورهای تأثیرگذار در نظام بین‌الملل در این خصوص می‌توان به اظهارات «سیلویو برلوسکونی»^۱ نخست‌وزیر ایتالیا در کنست در تاریخ ۳ فوریه ۲۰۱۰ علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران اشاره کرد که بر چهار بخش ضرورت ارسال سوخت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به خارج کشور، تهدیدزا بودن توانمندی هسته‌ای ایران، انتقاد از موضع دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال هولوکاست و لفاظی علیه رهبران نظام متمرکز شده بود (www.washingtonpost.com).

۴-۲ اثرگذاری بر جامعه علمی آمریکا

مخازن تولید فکر به دلیل تأثیرگذاری بر مهندسی افکار عمومی، نقش مهمی را در مدیریت عملیات روانی ایفا می‌کنند. به همین منظور یکی از تدابیر لابی‌های صهیونیستی، نفوذ بر مراکز انباشت دانش با کاربست روش‌های زیر است:

- اعمال نفوذ بر دستور جلسات برخی کنفرانس‌های معتبر که از مصادیق آن می‌توان به تلاش صهیونیست‌ها برای در دستور جلسه قرار دادن موضوع هسته‌ای ایران در «کنفرانس امنیتی مونیخ»^۲ اشاره کرد (www.csmonitor.com).

- درج مقاله در نشریه‌های معتبر علمی، بخشی از پازل سناریوی عملیات روانی لابی‌های صهیونیستی از طریق مالکیت ابزار دیپلماسی عمومی مانند رسانه‌ها، مطبوعات، سینما و نشریه‌های معتبر علمی - تخصصی سازمان‌دهی می‌شود.

1. Silvio Berlusconi

2 Munich Security Conference, 2010

۳-۴ ارائه گزارش‌های هدفمند به کنگره یا کاخ سفید
مانند گزارش لابی آپیک^۱ در سال ۲۰۰۹ به کنگره با تمرکز بر شائبه‌سازی نقش محوری و انحصاری سپاه پاسداران در ۴۰ درصد طرح‌های اقتصادی ایران.

۴-۴ نفوذ در میان کمیسیون‌ها، کمیته‌های تخصصی، چهره‌های تأثیرگذار و رهبران
فراکسیون‌های پارلمانی

لابی‌های صهیونیستی با نفوذ میان رؤسای کمیته‌های تخصصی کنگره یا پارلمان اروپا از طریق حمایت‌های مالی - تبلیغاتی از کاندیدایی مشخص یا اثرگذاری بر افکار عمومی از طریق ایجاد سازمان‌های غیردولتی نقش مهمی را در جذب حمایت‌های پارلمانی اروپا و آمریکا برای تحریم جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کنند.

۴-۵ تداعی نقش تأثیرگذار درآمدهای نفتی در توسعه صنایع هسته‌ای و موشکی
این امر به منظور تسریع روند تحریم انرژی جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد.

۴-۶ تنش‌زایی میان ایران و آمریکا
تنش‌زایی میان ایران و آمریکا با ترفندهای کاریکاتوریسم تبلیغاتی مانند انعکاس تصاویر مجازی از نقش غیرمستقیم سپاه پاسداران در حمله به منافع منطقه‌ای و جهانی آمریکا مانند انفجار پایگاه تفنگ‌داران دریایی آمریکا در بیروت (۱۹۸۲)، حمله به برج خیر در عربستان سعودی (۱۹۹۶) و نقش سپاه قدس در قاچاق بمب‌های کنار جاده‌ای و یا آر.پی.جی. ۷ به شبه‌نظامیان افغانستان و عراق (www.aipac.org).

۵ مفهوم هدفمندی تحریم‌های اقتصادی

مفهوم هدفمندی به مجموعه‌ای از اقدامات با پتانسیل کافی برای ضربه زدن به رهبران معین

یا برگزیدگان خاص اطلاق می‌شود. چهار اقدام زیر را می‌توان برای تحریم‌های هدفمند اقتصادی متصور شد:

۱. محدودیت‌های مسافرتی اشخاص؛

۲. مسدود کردن دارایی‌ها در خارج از کشور؛

۳. محدود کردن خطوط هوایی؛

۴. محدودیت‌های فرهنگی و سازمانی.

لذا تحریم‌های اقتصادی هدفمند اقداماتی نظیر ضبط کردن دارایی‌های دولتی (در خارج از کشور)، محدود نمودن دسترسی به بازارهای مالی و مشخص ساختن وام و اعتبارات، محدود کردن پرداخت‌های انتقالی بین‌المللی و خرید و تجارت دارایی‌ها را در خارج از کشور شامل می‌شود؛ تحریم‌های اقتصادی هدفمند همچنین شرکت‌های مربوط به دولت هدف و به‌طور بالقوه شرکت‌ها و اتباع یک دولت مشخص را هدف قرار می‌دهند، این نوع تحریم‌های مالی، را شورای امنیت اعمال می‌کند.

۶ بررسی آثار تحریم‌های اقتصادی علیه ایران

در این قسمت تأثیرات تحریم‌های اقتصادی که در بخش تجارت خارجی به‌دلیل ماهیت متفاوت آنها بر بخش‌های مختلف سنجیده می‌شود، البته بخش تجارت خارجی در همه تحریم‌های اقتصادی که از ابتدای دهه ۱۹۹۰ در بخش‌های مختلف علیه ایران وضع شده است، تأثیر بارزی داشته است. در مجموع اثرهای تحریم را می‌توان در بخش‌های اصلی ذیل جست‌وجو کرد:

۱. صنعت انرژی؛

۲. تجارت خارجی؛

۳. صنعت بانکداری.

ذکر این نکته ضروری است که بخش تجارت خارجی در داخل سایر بخش‌ها مستتر است اما به‌دلیل حساسیت این بخش، وضعیت آن به‌صورت مستقل نیز بررسی خواهد شد.

۱-۶ بررسی تأثیرات تحریم اقتصادی بر بخش انرژی

بزرگ‌ترین قرارداد نفتی ایران در سال ۱۳۵۲ با کنسرسیومی بود که شامل کمپانی‌های عظیم نفتی خارجی متشکل از ۲۸ شرکت نفتی آمریکایی و انگلیسی بود. فعالیت این شرکت در سال ۱۳۵۶ به اوج رسید و سرمایه‌ای به میزان ۲۰/۷ میلیارد دلار برای ایران به ارمغان آورد (زهرائی، ۱۳۷۶: ۱۳۳). اما با تیره شدن روابط ایران و ایالت متحده، از سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) میلادی به بعد این کشور به ضربه زدن به اقتصاد ایران از روش‌های مختلف خصوصاً تحریم سرمایه‌گذاری در بخش انرژی اقدام کرد. تحریم جدی در دهه ۱۹۹۰ مربوط به طرح سناتور آلفانسو داماتو رئیس کمیسیون بانکداری سنا در سال ۱۹۹۵ بود. براساس، این طرح در وهله اول تحریم‌های تجاری علیه ایران اجرا و در مرحله بعد، شرکت‌های خارجی از معامله با ایران منع شدند. هدف اصلی به غیر از این طرح قانونی، این بود که تحریم واحدهای خارجی که در زمینه محصولات انرژی با ایران وارد معامله می‌شدند، روشی مؤثر در جلب همکاری بین‌المللی برای منزوی کردن کشور به‌شمار می‌رفت؛ زیرا نفت رگ حیاتی ایران بود.

براساس این قانون شرکت‌های آمریکایی و غیرآمریکایی از سرمایه‌گذاری سالیانه بیش از چهل میلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران منع می‌شدند که در سال ۱۹۹۷ این مبلغ به بیست میلیون دلار کاهش یافت (دلیری، ۱۳۸۳: ۴). البته عمده واردات ایالات متحده از ایران تا قبل از سال ۱۹۹۵ مربوط به نفت خام و عمده صادرات آن نیز راکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار، اقلام فرهنگی، محصولات دارویی، تنباکو و ماشین‌آلات بوده است اما در سال ۲۰۰۶ عمده صادرات ایالات متحده به ایران فقط کتاب و عمده واردات آن فرش و کاشی بوده است (Iran Sanctions, 2007: 6).

اما نکته جالب اینکه در همان ایام که طرح داماتو در حال بررسی بود، شرکت فرانسوی توتال برای توسعه میدان‌های نفتی «سیری» قراردادی به ارزش ششصد میلیون دلار با ایران منعقد کرد. این قرارداد در اصل به شرکت آمریکایی کونوکو پیشنهاد و براساس

بیع متقابل^۱ منعقد شده بود، اما در مارس ۱۹۹۵ این شرکت تحت فشار دولت آمریکا مجبور به برهم زدن این معامله شد. چند سال بعد با امضای قراردادی به ارزش دو میلیارد دلار برای توسعه میدان پارس جنوبی با کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های توتال فرانسه، گاز پروم روسیه و پتروناس مالزی، اولین اقدام مؤثر و اساسی برای شکستن تحریم آمریکا و ابزار بی‌توجهی به قانون فرامرزی تحریم ایران بود. پس از آن شرکت‌های «الف و آجیب» ایتالیا قراردادی به ارزش ۹۹۸ میلیون دلار با شرکت ملی نفت ایران امضا کردند (Ibid.: 5).

جدول ۲ توافقات بین ایران و سرمایه‌گذاران خارجی در بخش انرژی

وضعیت	مبلغ	کشور/ سرمایه‌دار	نوع قرارداد	تاریخ
تکمیل شده	۲۳۲ میلیون دلار	فرانسه، شرکت تکنیک کوف فلکزیپ ^۲	قرارداد تعهد شده	مارس ۲۰۰۳
در سال ۲۰۰۸ به اتمام رسید	۶۰۰ میلیون دلار	کره جنوبی، شرکت دائلیم ^۳	قرارداد تعهد شده	مه ۲۰۰۳
اینپکس در سال ۲۰۰۶ این پروژه را به علت اوضاع سیاسی ایران منحل کرد از آن زمان شرکت ملی نفت ایران این پروژه را بین شرکت‌های داخلی به مناقصه گذاشته است.	۴/۴۵ میلیارد دلار	ژاپن، شرکت اینپکس ^۴	قرارداد تعهد شده	ژانویه ۲۰۰۴

1. Buyback
2. Technic-Coflexip (France)
3. Daelim (South Korea)
4. INPEX (Japan)

جدول ۲ توافقات بین ایران و سرمایه‌گذاران خارجی در بخش انرژی

تاریخ	نوع قرارداد	کشور/ سرمایه‌دار	مبلغ	وضعیت
آوریل ۲۰۰۴	قرارداد تعهد شده	ژاپن، کنسرسیومی متشکل از شرکت مهندسی توپو و شرکت چیودا ^۱	۲۲۰ میلیون دلار	در سال ۲۰۰۷ به اتمام رسید
آگوست ۲۰۰۴	قرارداد تعهد شده	برزیل، شرکت پتروبراس ^۲	۳۴ میلیون دلار	رو به اتمام
ژانویه ۲۰۰۵	قرارداد تعهد شده	—	۲۴۲ میلیون دلار	در سال ۲۰۰۸ به پایان رسید
مارس ۲۰۰۵	قرارداد تعهد شده	تایلند، سازمان نفت تایلند، ^۳ کشف و تولید پلی‌استیلن کم‌ضخامت ^۴ توسط این سازمان	حداقل مبلغ قرارداد: ۵/۵ میلیارد دلار	در حال انجام
مه ۲۰۰۵	قرارداد تعهد شده	چین، شرکت ملی نفت چین ^۵	حداقل مبلغ قرارداد: ۱۸ میلیون دلار	در حال انجام
جولای ۲۰۰۵	قرارداد تعهد شده	کنسرسیوم: شرکت نفت و گاز کوستین انگلستان، دراگادوس اسپانیا ^۶	۱/۴۲ میلیارد دلار	بین سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۰ به اتمام خواهد رسید
جولای ۲۰۰۵	قرارداد تعهد شده	کره جنوبی، کنسرسیوم شرکت ساخت و مهندسی توپوتا و شرکت لیند آلمان ^۷	۱/۳ میلیارد دلار	بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به اتمام خواهد رسید

1. Japans Toyo Enginering Corp and Chiyoda Corp
2. Petrobras (Brazil)
3. Petroleum Authority of Thailand (PAT)
4. Low-Density Poly Ethylene (LDPE)
5. China National Petroleum Corporation (CNPC)
6. Contain Oil and Gas Process (UK) and Dragados (Spain)
7. Hyundai Engineering and Construction Co (South Korea) and Linde (Germany)

جدول ۲ توافقات بین ایران و سرمایه گذاران خارجی در بخش انرژی

تاریخ	نوع قرارداد	کشور/ سرمایه‌دار	مبلغ	وضعیت
آگوست ۲۰۰۵	قرارداد تعهد شده	ایتالیا، شرکت تکنیمونت ^۱	۲۹۲ میلیون دلار	بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به اتمام خواهد رسید
ژانویه ۲۰۰۷	تفاهم‌نامه تعهد نشده	مالزی، شرکت ونتورز اس.کا.اس	۱۶ میلیارد دلار	در حال مذاکره
فوریه ۲۰۰۷	قرارداد تعهد شده	هند، شل و اسپانیا، رپسول	۴/۳ میلیارد دلار	در حال مذاکره
فوریه ۲۰۰۷	قرارداد تعهد شده	کره جنوبی، شرکت دائلیم	۵۰۰ میلیون دلار	بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به اتمام خواهد رسید
مارس ۲۰۰۷	قرارداد تعهد شده	کره جنوبی، کنسرسیوم؛ شرکت دائلیم، شرکت لورگی و یو.اچ.دی.ای	۱/۷۲ میلیارد دلار	در سال ۲۰۱۰ به پایان خواهد رسید
آوریل ۲۰۰۷	قرارداد تعهد شده	اندونزی، شرکت استار پتروگاز ^۲	به ارزش تقریبی ۲ میلیارد دلار	در سال ۲۰۱۰ اتمام خواهد یافت
مه ۲۰۰۷	قرارداد تعهد نشده موافقت‌نامه اولیه	اتریش، شرکت او.ام.وی ^۳	-	در حال مذاکره
مه ۲۰۰۷	تفاهم‌نامه، تعهد نشده	ایران و عمان (تفاهم بین دول)	-	در حال مذاکره
مه ۲۰۰۷	تفاهم‌نامه، تعهد نشده	ایران و عمان (توافق بین المللی)	-	در حال مذاکره
مه ۲۰۰۷	تفاهم‌نامه، تعهد نشده	ایران و عراق (توافق بین دول)	-	در حال مذاکره

مأخذ: همان، ص ۸۶-۸۵

1. Tecnimont (Italy)
2. Star Petro-Gas Corporation (Indonesia)
3. Norsk Hydro ASA (Austria)

در نوامبر ۱۹۹۹ شرکت رویال داچ شل قراردادی به ارزش ۴۵۱ میلیون دلار برای توسعه میدان‌های سروش و نوروز به امضا رساند و بدین ترتیب قرارداد جدید دیگری به امضا رسید. از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ نیز دولت ایران قراردادهایی را تقریباً به مبلغ بیست میلیارد دلار برای گسترش و توسعه منابع انرژی با شرکت‌های خارجی به امضا رسانده است، اگرچه براساس گزارش اداره حسابرسی کل ایالات متحده ابهاماتی از به اجرا درآمدن این قراردادها وجود دارد. همچنین تقاضای روزافزون جهانی نفت، همراه با افزایش شدید قیمت نفت و ذخایر گسترده و غنی ایران موجب شده است که ایران در سال ۲۰۰۶، سود نفتی بالغ بر پنجاه میلیارد دلار به دست آورد. به‌طور کلی توافق‌های بین ایران و سرمایه‌گذاران خارجی در بخش انرژی با وجود تحریم‌های اقتصادی از سال ۲۰۰۳ به بعد در جدول ۲ ارائه شده است.

ملاحظه می‌شود که با وجود تحریم‌های اقتصادی ایران، بخش انرژی چندان از این تحریم‌ها اثرپذیر نبوده است و همچنان به رشد و توسعه خود ادامه می‌دهد. به‌طوری‌که طی سال‌های اخیر ایران توانسته است قرارداد توسعه ۱۰ میدان نفت و گاز و صادرات گاز به کشورهای مختلف به ارزشی بیش از ۶۱ میلیارد دلار را به امضا برساند (اسماعیلی، ۱۳۸۷).

۲-۶ بررسی اثرهای تحریم در بخش تجارت کالا

جدول سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی در ایران طی سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۷۰ در وزارت اقتصاد و دارایی بیانگر این است که آمریکا، کشورهای صنعتی اروپا و ژاپن سهم عمده و قابل توجهی در سرمایه‌گذاری خصوصی در کشور ما داشته‌اند و تا سال ۱۹۷۳ آمریکا پیش‌تاز کشورهای یاد شده می‌باشد. یکی از قراردادهای بزرگ در زمان ریاست جمهوری فورد در ژوئن ۱۹۷۴ سفارش خرید تسلیحات نظامی از آمریکا بود. در اواخر سال ۱۹۷۴ پنتاگون تقریباً نیمی از صادرات اسلحه جهانی خود را به ایران فروخته بود (سجادپور، ۱۳۷۶: ۲۶).

اما آمریکایی‌ها در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۸، با برگزیدن سیاست خصومت با

ایران سعی در تضعیف اقتصاد کشور داشته‌اند. اولین مورد این خصومت‌ها به اوایل سال ۱۹۷۹ برمی‌گردد که جیمی کارتر با فرمان اجرایی ۱۲۱۷۰ توانست دوازده میلیارد دلار از اموال ایرانیان را در ایالت متحده مسدود و واردات از این کشور را ممنوع کند که به قطع تمام روابط تجاری و سفرها به ایران انجامید. مصادره اموال طبق فرمان مذکور تبدیل به اهرم فشار مهمی در مذاکرات قرارداد ۱۹۸۱ الجزایر و به آزادسازی گروگان‌های آمریکایی منجر شد (استوارت، ۱۳۸۸: ۱۰-۹).

همچنین بعد از تحریم سال ۱۹۹۵ و اعمال قانون داماتو، ایران به منظور کاهش مخاطرات ناشی از سیاست مهار دوجانبه موفق شد روابط بازرگانی خود را با غرب بهبود بخشد. به همین دلیل ایالات متحده درصدد برآمد تا با ترغیب صادرات کالاهای مصرفی به ایران، موجبات تضعیف نظام و به هدر دادن ارز کشور را فراهم آورد و این دقیقاً همان سیاستی بود که در طول جنگ سرد بر ضد اتحاد جماهیر شوروی سابق به کار گرفته شد. استفان گرومون، یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا در این باره گفته بود: «با اجرای این سیاست، تلاش می‌کنیم تا در تجارت واردات (صادرات) به ایران، پرداخت‌های سریع نقدی را نسبت به کمک‌های بلندمدت و اعتباری برجسته کنیم. تجارت مبتنی بر پرداخت‌های نقدی مؤثرتر است؛ چرا که از یک سو رژیم ایران را مجبور می‌کند تا از ذخیره پولی اندک خود استفاده کند و در نتیجه اقتصاد ایران به تدریج زایل می‌گردد» (همان: ۱۳۹).

کلیتون نیز در فرمان اجرایی شماره ۱۲۹۵۹ خود در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۴ (۶ مه ۱۹۹۵)، با استناد به اتهام‌های گذشته علیه ایران، تحریم‌هایی را وضع کرد و اجرای آن را الزامی کرد که موارد آن عبارت بودند از: ممنوعیت صادرات کالا، تکنولوژی و خدمات به ایران ممنوعیت هرگونه معامله نظیر واسطه‌گری یا به هر نحو دیگری از سوی اشخاص آمریکایی در مورد کالا و خدمات با منشأ ایرانی، ممنوعیت صادرات مجدد و معاملات بازرگانی که افراد آمریکایی از انجام آنها برحذر شده بودند. به این ترتیب افراد و شرکت‌های آمریکایی از انجام هر نوع تجارت با ایران اعم از نفتی و غیرنفتی برحذر شدند

و برای شرکت‌های مختلف تا ۵۰۰ هزار دلار جرائم کیفری تعیین شد. از این گذشته صادرات کالاها و خدمات آمریکایی به ایران، حق واسطه‌گری و تأمین اعتبار این گونه معاملات نیز ممنوع اعلام شد. سیاست تحریم و مجازات اقتصادی آمریکا علیه ایران اگرچه به‌طور چشمگیری موجب تحدید دسترسی ایران به فناوری، تدارکات و اعتبارات غربی شد و وضعیت سخت اقتصادی (افزایش تورم، بیکاری و تنزل ارزش ریال) را برای ایران فراهم آورده بود، ولی در عمل نتوانسته بود به هدف اصلی خود دست یابد.

در سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) آمریکا درخواست شرکت بوئینگ را برای فروش هواپیمای غیرنظامی به ایران به‌منظور گسترش فعالیت‌های پروازی هواپیماهای ایران رد کرد. در نتیجه این تصمیم، بوئینگ قرارداد نهصد میلیون دلاری را از دست داد و شرکت هواپیمایی ایران از این زمان، درخواست خود را به کنسرسیوم هوا و فضا اروپایی ایرباس ارائه کرد. به این ترتیب در سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) شرکت بی.پی. آمریکا، مذاکره برای فروش تولیدات این کارخانه را رد کرد به دلیل اینکه فناوری آن ممکن است دارای ماهیت دو منظوره باشد و در نتیجه به کاهش صد میلیون دلاری فروش این شرکت انجامید.

این مجازات‌ها ایران را تشویق می‌کرد که راهبردهایی را برای متنوع کردن مسیرهای بازرگانی، پیدا کردن شرکای جدید اقتصادی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تجارت با آمریکا ترغیب کند. صادرات آمریکا به ایران در سال ۱۹۹۳ برابر با ۶/۶ میلیون دلار و در سال ۱۹۹۴ برابر با ۲۲۶ میلیون دلار بود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۲۰). کل منافع از دست‌رفته در این زمینه سالیانه صدها میلیون دلار برآورد شده است. ضمن آنکه ایران به آن دسته از کالاهای مورد نیاز خود که منحصراً در آمریکا تولید شده‌اند، از طریق صادرات مجدد از دبی دسترسی داشته است. تحریم‌های اقتصادی در سال‌های گذشته موجب شد تا کشاورزان آمریکایی سهم بزرگی را در بازارهای جهانی محصولات کشاورزی از دست بدهند؛ درحالی‌که کشورهای تحریم شده توانستند محصولات مورد نیاز خود را از سایر بازارهای جهان تأمین کنند. تحریم صادرات مواد کشاورزی به ایران،

عراق، لیبی، سودان و کره شمالی سالیانه پانصد میلیون دلار به آمریکا زیان وارد کرده است. از طرفی به دنبال تصویب قانون منع واردات از ایران در سال ۱۹۸۷ و قانون منع صادرات و سرمایه‌گذاری در ایران در سال ۱۹۹۵، تجارت ایالات متحده با ایران شدیداً کاهش یافت. قبل از سال ۱۹۸۷ (قانون منع واردات) تجارت ایالات متحده ۱۶ درصد از صادرات ایران را شامل می‌شد و پس از این ممنوعیت، سهم ایالات متحده به کمتر از ۱ درصد رسید. براساس اطلاعات تجزیه و تحلیل شده تجارت بین‌الملل، ایران دو میلیارد دلار در سال ۱۹۸۷، ۱۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ و یک میلیون دلار در سال ۱۹۹۰ به ایالات متحده صادرات داشت. علاوه بر این واردات ایران از ایالات متحده تا قبل از قانون منع صادرات سال ۱۹۹۵، ۲ درصد و بعد از اجرای این ممنوعیت، به صفر رسید و کل صادرات ایالات متحده به ایران از مبلغ ۲۸۲ میلیون دلار به کمتر از چهارصد دلار در سال ۱۹۹۶، کاهش یافت. بررسی اطلاعات خزانه‌داری ایالات متحده حاکی است که کاهش صادرات و واردات با تغییرات چشمگیری در نوع کالاها همراه بوده است. برای مثال، اغلب صادرات ایالات متحده به ایران تا قبل از قانون منع صادرات ۱۹۹۵ حاوی رآکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار، اقلام فرهنگی، محصولات دارویی، تنباکو و ماشین‌آلات بود و این در حالی است که پس از اجرای این قانون عمده صادرات ایالات متحده تنها به کتاب، خلاصه می‌شود. عمده واردات این کشور از ایران قبل قانون منع واردات ۱۹۸۷، نفت و در سال ۲۰۰۶ فرش و کاشی بوده است. از سال ۱۹۸۷ تا سال ۲۰۰۶ صادرات ایران از ۸/۵ میلیارد دلار به هفتاد میلیارد دلار افزایش یافته است، در صورتی که واردات ایران نیز از هفت میلیارد دلار به ۴۶ میلیارد دلار رسیده است. رشد واقعی سالیانه صادرات ایران بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۶ حدود ۹ درصد بوده؛ در حالی که نرخ رشد صادرات ایران بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، در واکنش به افزایش قیمت نفت در سال ۲۰۰۲، ۱۹ درصد برآورده شده است.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی خزانه‌داری^۱، قانون منع سرمایه‌گذاری و تجارت علیه

_____ بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تأکید بر تجارت خارجی ۱۹۷

ایران را از سال ۱۳۷۶ به بعد اجرا کرده است و مسئولیت بازرنگری و مجوز صادرات کالا به ایران را به عهده دارد. این دفتر می‌تواند مجازات‌های مدنی بالغ بر ۲۵۰ هزار دلار یا مبالغی برابر با مبلغ نقض تحریم را اعمال کند. تحریم‌های ایران شامل ۹۴ مورد از ۴۲۵ مورد مجازات مدنی است که این دفتر بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ بررسی کرده است. مجازات‌های مدنی نقض قانون منع سرمایه‌گذاری و تجارت می‌تواند از یک میلیون دلار برای گروه‌ها و بیست سال زندان برای افراد حقیقی اعمال شود.^۱

جدول ۳ تحریم‌های اعمال شده براساس قانون جلوگیری از فعالیت‌های هسته‌ای ایران، کره شمالی و سوریه (۲۰۰۷-۲۰۰۲)

تعداد دفعات تحریم	ملیت کشورها
۵۲	چینی
۹	کره شمالی
۸	سوری
۷	روسی
۶	هندی
۳	مالزیایی
۳	سودانی
۱۱۱	جمع

مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ص ۲۳.

قانون منع سرمایه‌گذاری و تجارت فوق‌الذکر، اشخاص (حقیقی و حقوقی) خارجی را که فناوری کالا و خدمات مندرج در لیست کنترل چندجانبه صادرات (ممنوعه) را به ایران انتقال می‌دهند شناسایی و تنبیه کرده است. از سال ۲۰۰۰ تقریباً نیمی از موارد تنبیهی (۵۲ مورد از ۱۱۱

1. International Emergency Economic Powers Act (IEEPA) (قانون اختیارات فوق‌العاده اقتصاد جهانی)

مورد) مربوط به گروه‌های چینی و به ترتیب ۹ و ۷ مورد به گروه‌های کره شمالی و روس اختصاص دارد. در سال ۲۰۰۷ شرکت‌های سوری نیز در هشت مورد، تحریم شده‌اند (جدول ۳). بررسی‌ها نشان می‌دهد که صادرات دیگر کشورها به ایران مشتمل بر کالاهای دومانظوره و حساس از جمله جنگ‌افزار، هواپیما و تجهیزات و فناوری هسته‌ای است (کالاهایی که طبق قانون ایالات متحده صادرات آنها به ایران ممنوع است). طبق اطلاعات تجاری سازمان ملل، روسیه و اسپانیا از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ حدود ۲۸/۹ میلیون دلار قطعات رآکتور هسته‌ای (که سهم روسیه بالغ بر ۸۹ درصد است) به ایران صادر کرده‌اند. این در حالی است که ایران قطعات یدکی جت‌های جنگنده F-16 را به‌عنوان قطعات مازاد، به فروش می‌رساند.

همچنین از سال ۲۰۰۷ به بعد و با تشدید تحریم‌ها قیمت کالاهای سرمایه‌ای (ماشین‌آلات و تجهیزات) از سوی فروشندگان اروپایی بین ۷ الی ۱۰ درصد افزایش یافته، درحالی‌که نرخ تورم در این کشورها بین ۱ الی ۳ درصد بوده است و با وجود کاهش وزن واردات کشور، متوسط ارزش واردات افزایش یافته است. برای مثال در سال ۱۳۸۷ متوسط قیمت هر تن واردات نسبت به سال ۱۳۸۶ به میزان ۸/۵ درصد رشد کرده که بالاتر از متوسط نرخ تورم کشورهای اروپایی است. همچنین ارزش واردات طی دوره مذکور ۱۷ درصد رشد داشته اما از لحاظ وزنی ۴/۱ درصد کاهش یافته است. از این رو متوسط قیمت تمام شده هر تن واردات نیز در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۸۶ به‌رغم رکود جهانی حدود ۱۴ درصد رشد داشته است. لذا تحریم‌های اقتصادی موجب افزایش هزینه واردات شده است.^۱

۳-۶ بررسی تأثیرات تحریم اقتصادی بر نظام بانکی ایران

اغلب شعب بانک‌های ایرانی در خارج از کشور وظیفه تسهیل امور تجاری و خدمات‌رسانی

۱. در سال ۱۳۸۶ ارزش واردات معادل ۴۸۴۳۹ میلیون دلار بوده که نسبت به سال ۱۳۸۵، ۱۷ درصد رشد کرده اما وزن واردات معادل ۴۱۶۹۶ هزار تن بوده که نسبت به سال ۱۳۸۵ به میزان ۴/۱ درصد کاهش یافته است. همچنین متوسط قیمت هر تن کالای وارداتی در سال ۱۳۸۷ معادل ۱۲۶۹/۸ دلار و در سال ۱۳۸۶ معادل ۱۱۶۱/۷ دلار بوده است.

به تجار ایرانی و کشورهای طرف معامله با ایران را ایفا می‌کنند. این بانک‌ها تا قبل از سال ۲۰۰۶ تأثیر کمتری نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی از تحریم اعمال شده بر اقتصاد ایران پذیرفته بود. اما از دسامبر ۲۰۰۶ به بعد با صدور قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت علیه ایران، دولت‌های فرانسه، آلمان و ایتالیا، به برکناری رؤسای شعبه‌های بانک سپه در این کشورها و انتصاب رؤسای جدید اقدام کردند. کمیته بانکی اداره سرپرستی بانک‌های فرانسوی، در اقدامی خودسرانه، با برکناری «محمد A» رئیس بانک سپه شعبه فرانسه، شخصی به نام «آلن باشلو» را به جای وی منصوب کردند (<http://www.centralcubs.com/forum-f72/topic-t24047-108.html>).

براساس اطلاعیه منتشر شده در روزنامه رسمی لوموند فرانسه در تاریخ ۱۳۸۶/۰۱/۲۸، باشلو از ۱۶ مارس ۲۰۰۷ (۲۵ اسفند ۱۳۸۵) تا ۳۰ ژوئن ۲۰۰۷ (۹ تیر ۱۳۸۶) با انتقال تمامی اختیارات رئیس پیشین به وی، ریاست این شعبه را برعهده داشته است. بانک مرکزی ایتالیا نیز در اقدامی مشابه، با برکناری رئیس ایرانی شعبه بانک سپه در ایتالیا و جایگزینی دو کمیسر ایتالیایی به جای وی، ریاست آن را به اداره‌ای خصوصی منتقل کرد.

دولت آلمان نیز با مسدود کردن همه اعتبارنامه‌های جاری و انتقالی بانک سپه در این کشور، رئیس آن را برکنار کرده است. پیش از این نیز وزارت خزانه‌داری آمریکا با مسدود کردن حساب‌های بانک سپه در این کشور، هرگونه معامله بین مؤسسات آمریکایی با این بانک ایرانی را به اتهام حمایت این بانک از خریده‌های نظامی ممنوع اعلام کرده بود. شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه ۱۷۳۷ علیه برنامه هسته‌ای ایران، دو مؤسسه «بانک سپه» و «بانک بین‌المللی سپه» را به علت آنچه حمایت از برنامه هسته‌ای، موشکی و فضایی ایران خوانده بود، تحریم کرد (Ibid.).

همچنین وزارت دارایی آمریکا به بهانه حمایت از تروریسم و حزب... لبنان، بانک صادرات ایران را در سپتامبر ۲۰۰۶ تحریم کرد، همچنین وزارت دارایی آمریکا در ژانویه ۲۰۰۷ نیز به بهانه حمایت از سلاح کشتار جمعی تحریم بانک سپه را آغاز کرد. براساس

قطعه‌نامه ۱۷۴۷ نیز که در مارس ۲۰۰۷ به تصویب شورای امنیت رسید، وزارت دارایی آمریکا در ژوئن همان سال بانک ملی ایران را تحریم اقتصادی کرد. در نهایت براساس قطعه‌نامه ۱۸۰۳ شورای امنیت علیه ایران در یازده سپتامبر ۲۰۰۸ دولت و کنگره آمریکا در ۲۳ اکتبر همان سال تحریم بانک توسعه صادرات ایران را تصویب کرد.

مجموعه تحریم‌های متعدد و مکرر فوق در فاصله زمانی کوتاه‌مدت ابتدا باعث شد دارایی‌های بانک‌های ایرانی در بانک‌های خارجی حدود یک میلیارد دلار ضبط شود (خصوصاً وجوه اعتبارات اسنادی، حواله‌های ارزی و ...). اما بانک‌های ایرانی با درایت و با طرح دعوی حقوقی کم‌کم خود را نسبت به اثرهای این تحریم‌ها پوشش دادند.

برای مثال کشورهای اروپایی که ابتدا با استناد به دستورالعمل شماره ۴۲۳/۲۰۰۷ شورای اتحادیه اروپا ضمن انتخاب یک نفر ناظر بر امور جاری شعب بانک ملی رسماً توقف عملیات و مسدود شدن دارایی‌های این بانک را صادر کرده بودند، با پیگیری حقوقی بانک ملی در مراحل بعدی بی‌گناهی این بانک ثابت شد و دولت بریتانیا و اتحادیه اروپا با اذعان به اشتباهات خود موافقت خود را با آزادی بیش از ۵۰ درصد دارایی‌های توقیف شده ملی بانک لندن اعلام کردند.

از طرفی بانک صادرات ایران نیز با وجود اعمال تحریم‌های متعدد بر این بانک، با درایت مدیریت بهینه توانسته است تعهدات بین‌المللی خود را ایفا کند، هرچند طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۷ برخی از دارایی‌های این بانک که عمدتاً حواله‌های ارزی، اعتبارات اسنادی و سفته‌های ارزی است، در بانک‌های فرانکفورت، سیتی بانک لندن و بانک پی.ال.سی لندن توقیف شده است.

بانک توسعه صادرات نیز جزء بانک‌هایی است که از تحریم اقتصادی در امان نماند و تعدادی از حواله‌های مشتریان این بانک به هنگام ارسال و دریافت در بانک‌های واسط آمریکایی در سال ۱۳۸۶ توقیف شد.

بررسی ریسک بخش بانکی ایران در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، نشان می‌دهد که رتبه

ریسک این بخش از اقتصاد طی دوره مذکور تغییر نکرده است (عباسی، ۱۳۸۷: ۱۸) و تحریم‌های اعمال شده اثرگذاری کمتری داشته‌اند.

در مجموع می‌توان گفت هرچند اعمال تحریم‌های پی‌درپی و در فاصله زمانی کوتاه، موجب اثرپذیری نظام بانکی از این تحریم‌های مالی شده است، اما به‌مرور زمان بانک‌های ایرانی با برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه این تحریم‌ها را پشت سر گذاشته و به تعهدات خود عمل کرده‌اند و اجازه نداده‌اند وجه بین‌المللی آنها دچار آسیب شود.

۷ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آمریکایی‌ها در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۸، با برگزیدن سیاست خصومت با ایران سعی در تضعیف اقتصاد ایران داشتند. اولین مورد این خصومت‌ها به اوایل سال ۱۹۷۹ برمی‌گردد که جیمی کارتر به فرمان اجرایی ۱۲۱۷۰ توانست دوازده میلیارد دلار از اموال ایرانیان را در ایالت متحده مسدود و واردات از این کشور را ممنوع کند که به قطع تمام روابط تجاری و سفرها به ایران انجامید. مصادره اموال طبق فرمان مذکور تبدیل به اهرم فشار مهمی در مذاکرات قرارداد ۱۹۸۱ الجزایر و منجر به آزادسازی گروگان‌های آمریکایی شد.

همچنین بعد از تحریم سال ۱۹۹۵ و اعمال قانون داماتو، ایالت متحده در صدد برآمد تا با ترغیب صادرات کالاهای مصرفی به ایران، موجبات تضعیف نظام و به هدر دادن ارز کشور را فراهم آورد و این دقیقاً همان سیاستی بود که در طول جنگ سرد بر ضد اتحاد جماهیر شوروی سابق به کار گرفته شد.

کلیتوتون نیز در فرمان اجرایی شماره ۱۲۹۵۹ خود در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۴ (۶ مه ۱۹۹۵)، با استناد به اتهام‌های گذشته علیه ایران، تحریم‌هایی را وضع کرد و اجرای آن را الزامی نمود که موارد آن عبارت بودند از:

ممنوعیت از صادرات کالا، تکنولوژی و خدمات به ایران، ممنوعیت هر نوع معامله نظیر واسطه‌گری یا به هر نحو دیگری از سوی اشخاص آمریکایی در مورد کالا و خدمات

با منشأ ایرانی، ممنوعیت صادرات مجدد و معاملات بازرگانی که افراد آمریکایی از انجام آنها برحذر شده بودند. به این ترتیب افراد و شرکت‌های آمریکایی از انجام هر نوع تجارت با ایران اعم از نفتی و غیرنفتی برحذر شدند و برای شرکت‌های مختلف تا پانصد هزار دلار جرائم کیفری تعیین شد.

از این گذشته صادرات کالاها و خدمات آمریکایی به ایران، حق واسطه‌گری و تأمین اعتبار این گونه معاملات نیز ممنوع اعلام شد. سیاست تحریم و مجازات اقتصادی آمریکا علیه ایران اگرچه به طور چشمگیری موجب تحدید دسترسی ایران به فناوری، تدارکات و اعتبارات غربی شد و وضعیت سخت اقتصادی (افزایش تورم، بیکاری و تنزل ارزش ریال) را برای ایران فراهم آورده بود، ولی در عمل نتوانسته به هدف اصلی خود دست یابد.

در سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) آمریکا درخواست شرکت بوئینگ را برای فروش هواپیمای غیرنظامی به ایران به منظور گسترش فعالیت‌های پروازی هواپیماهای ایران رد کرد. در نتیجه این تصمیم، بوئینگ قراردادی نهصد میلیون دلاری را از دست داد و شرکت هواپیمایی ایران از این زمان، درخواست خود را به کنسرسیوم هوا و فضا اروپایی ایرباس ارائه کرد. به همین ترتیب در سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) شرکت بی. پی آمریکا، مذاکره برای فروش تولیدات این کارخانه، به دلیل اینکه فناوری آن ممکن است دارای ماهیت دامن‌زنانه باشد را رد کرد و در نتیجه به کاهش ۱۰۰ میلیون دلاری فروش این شرکت انجامید.

این مجازات‌ها ایران را تشویق می‌کرد که از راهبردهایی برای متنوع کردن مسیرهای بازرگانی، پیدا کردن شرکای جدید اقتصادی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تجارت با آمریکا استفاده کند. صادرات آمریکا به ایران در سال ۱۹۹۳ برابر با ۶/۶ میلیون دلار در سال ۱۹۹۴ برابر با ۲۲۶ میلیون دلار بود. کل منافع ازدست‌رفته در این زمینه سالیانه صدها میلیون دلار برآورد شده است. ضمن آنکه ایران به آن دسته از کالاهای مورد نیاز خود که منحصرأ در آمریکا تولید شده‌اند، از طریق صادرات مجدد از طریق دبی دسترسی داشته است. تحریم‌های اقتصادی در سال‌های گذشته موجب شد تا کشاورزان آمریکایی سهم بزرگی را در بازارهای

جهانی محصولاتشان از دست بدهند؛ درحالی که کشورهای تحریم شده توانستند محصولات مورد نیاز خود را از سایر بازارهای جهان تأمین کنند. تحریم مواد کشاورزی علیه ایران، عراق، لیبی، سودان و کره شمالی سالانه پانصد میلیون دلار به آمریکا زیان وارد کند.

همچنین به دنبال تصویب قانون منع واردات از ایران در سال ۱۹۸۷ و قانون منع صادرات و سرمایه‌گذاری در سال ۱۹۹۵، تجارت ایالات متحده با ایران شدیداً کاهش یافت. قبل از سال ۱۹۸۷ (قانون منع واردات) تجارت ایالت متحده ۱۶ درصد از صادرات ایران را شامل می‌شد و پس از این ممنوعیت، سهم ایالات متحده به کمتر از ۱ درصد رسید. براساس اطلاعات تجزیه و تحلیل شده تجارت بین‌الملل، ایران دو میلیارد دلار در سال ۱۹۸۷، ۱۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ و یک میلیون دلار در سال ۱۹۹۰ به ایالت متحده صادر کرد. علاوه بر این واردات ایران از ایالات متحده تا قبل از قانون منع صادرات سال ۱۹۹۵، ۲ درصد و بعد از اجرای این ممنوعیت، به صفر رسید و کل صادرات ایالات متحده به ایران از مبلغ ۲۸۲ میلیون دلار به کمتر از چهارصد دلار در سال ۱۹۹۶، کاهش یافت. بررسی اطلاعات خزانه‌داری ایالات متحده حاکی از این است که کاهش صادرات و واردات با تغییرات چشمگیری در نوع کالاها همراه بوده است. برای مثال، اغلب صادرات ایالات متحده به ایران تا قبل از قانون منع صادرات ۱۹۹۵ حاوی رآکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار، اقلام فرهنگی، محصولات دارویی، تنباکو و ماشین‌آلات بود و این در حالی است که پس از اجرای این قانون عمده صادرات ایالات متحده فقط کتاب بود. عمده واردات این کشور از ایران (قبل قانون منع واردات) در سال ۱۹۸۷، نفت و در سال ۲۰۰۶ فرش و کاشی بوده است. از سال ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۶ صادرات ایران از ۸/۵ به هفتاد میلیارد دلار افزایش یافته، در صورتی که واردات ایران نیز از ۷ به ۴۶ میلیارد دلار رسیده است. رشد واقعی سالانه صادرات ایران بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۶ حدود ۹ درصد بوده است؛ درحالی که نرخ رشد صادرات ایران بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، در واکنش به افزایش قیمت نفت در سال ۲۰۰۲، ۱۹ درصد بوده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که صادرات دیگر کشورها به ایران مشتمل بر کالاهای دومنظوره و حساس از جمله جنگ‌افزار، هواپیما و تجهیزات و فناوری هسته‌ای است (کالاهایی که طبق قانون ایالات متحده صادرات آنها به ایران ممنوع است). طبق اطلاعات تجاری سازمان ملل، روسیه و اسپانیا از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ حدود ۲۸/۹ میلیون دلار قطعات رآکتور هسته‌ای (که سهم روسیه بالغ بر ۸۹ درصد است) به ایران صادر کرده‌اند. درحالی‌که ایران قطعات یدکی جت‌های جنگنده F-۱۶ را به‌عنوان قطعات مازاد، به فروش می‌رساند.

درمجموع بررسی نتایج یازده مورد تحریم سازمان ملل در دهه ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که در سه مورد که مربوط به عراق، یوگسلاوی و لیبی بوده، موفقیت متوسط به بالایی حاصل شده است. در چهار مورد که مربوط به هائیتی، آنگولا، سیرالئون و سومالی بوده، تحریم‌ها دارای اثرهای بسیار محدود و موقتی برای ایجاد گفت‌وگو بوده‌اند و هیچ‌گونه فشار شدید یا تغییر در سیاست‌های دولت هدف به‌وجود نیامده است. لذا بررسی سه تحریم موفق از یازده فقره تحریم، مؤید موفقیت و اثربخشی ۲۷ درصد از کل تحریم‌هاست. اگر مورد کامبوج هم اضافه شود این نرخ به ۳۶ درصد نیز می‌رسد. در مورد ایران نیز در سه حوزه مورد بررسی می‌توان نتایج زیر را ارائه کرد:

۱. علی‌رغم تحریم‌های اقتصادی ایران، بخش انرژی چندان از این تحریم‌ها اثرپذیر نبوده است و همچنان به رشد و توسعه خود ادامه می‌دهد. به‌طوری‌که طی سال‌های اخیر ایران توانسته قرارداد توسعه ۱۰ میدان نفت و گاز صادرات گاز به کشورهای مختلف به ارزشی بیش از ۶۱ میلیارد دلار را به امضا برساند و در سال ۲۰۱۰ نیز توافق‌نامه خط لوله صلح را با پاکستان امضا کرده است.

۲. پس از سال ۲۰۰۷ با تشدید تحریم‌ها قیمت کالاهای سرمایه‌ای (ماشین‌آلات و تجهیزات) از سوی فروشندگان اروپایی بین ۷ الی ۱۰ درصد افزایش یافته است، درحالی‌که نرخ تورم در این کشورها بین ۱ الی ۳ درصد بوده و علی‌رغم کاهش وزن واردات کشور، متوسط ارزش واردات افزایش یافته است. برای مثال در ۱۳۸۷ متوسط قیمت هر تن

واردات نسبت به ۱۳۸۶ به میزان ۸/۵ درصد رشد کرده که بالاتر از متوسط نرخ تورم کشورهای اروپایی است. همچنین ارزش واردات طی دوره مذکور ۱۷ درصد رشد داشته اما از لحاظ وزنی ۴/۱ درصد کاهش یافته است. همچنین متوسط قیمت تمام شده هر تن واردات نیز در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۸۶ علی‌رغم رکود جهانی دارای ۱۴ درصد رشد بوده، از این رو تحریم‌های اقتصادی موجب افزایش هزینه واردات شده است.

۳. هر چند اعمال تحریم‌های پی‌درپی و در فاصله زمانی کوتاه، موجب اثرپذیری نظام بانکی از این تحریم‌های مالی شده است، اما به مرور زمان بانک‌های ایرانی با برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه این تحریم‌ها را پشت سر گذاشته و به تعهدات خود عمل کرده‌اند و اجازه نداده‌اند وجهه بین‌المللی آنها دچار آسیب شود؛ هر چند تجار و بازرگانان ایرانی به دلیل وجود محدودیت در اعتبارات اسنادی، حواله‌ها و ضمانت‌نامه‌ها دچار مشکلات فراوانی شده‌اند، اما تجارت ایران هرگز از فعالیت خود باز نایستاده است.

۸ توصیه‌های سیاستی

به‌منظور بهره‌گیری از سال‌های گذشته و اخیر و همچنین مقابله با اثرهای تحریم‌های احتمالی توصیه‌های سیاستی زیر ارائه می‌شود:

۱. واکاوی نقش لابی‌های صهیونیستی در جهت‌گیری دورنمای تحریم‌های احتمالی: رصد و ظرفیت‌سنجی میزان نفوذ لابی‌های اسرائیل در لایه‌های قدرت نزدیک به مراکز تقنینی و اجرایی آمریکا و اتحادیه اروپا یکی از مؤلفه‌های مختصات‌سنجی دورنمای تحریم‌های احتمالی است.

۲. شناسایی، رصد و طبقه‌بندی کانون‌های آسیب‌پذیر: یکی از شاخص‌های طراحان عملیات روانی گزینه تحریم، تصویب «تحریم‌های هوشمند» با تمرکز بر کانون‌های آسیب‌پذیر است. در این راستا تدوین نقشه ریسک تحریم‌های بالفعل، بالقوه و راهبردی براساس الگوی

اسوات^۱ که در آن پدافند استراتژیک نظام براساس چهار مؤلفه نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها تعریف می‌شود، نقش مهمی را ایفا می‌کند.

۳. بهره‌گیری از فرصت‌های دیپلماسی پارلمانی با رویکرد ظرفیت‌سازی استراتژیک: یکی از اصول مدیریت راهبردی گزینه تحریم، هم‌افزایی مؤثر و بهینه ظرفیت‌هاست. در همین زمینه مجلس شورای اسلامی از طریق رایزنی‌های بین‌المجالسی با بازیگران تأثیرگذار مانند پارلمان اروپا، مذاکره رؤسای کمیسیون‌ها و کمیته‌های تخصصی با هم‌تایان خود در کشورهای همسایه است.

۴. تهیه نقشه جامع تحریم‌ها: یکی از روش‌های مدیریت تهدیدات احتمالی گزینه تحریم، تهیه نقشه جامع تحریم‌ها و تأثیرسنجی آن بر شاخص‌های امنیت ملی در قالب رویکرد موزاییکی است که در آن دامنه، عمق و جهت‌گیری تحریم‌ها در سه بخش بند «۴۱» فصل هفتم منشور ملل متحد، تحریم‌های ائتلافی و یک‌جانبه مورد واکاوی قرار گیرند. تحریم‌های ائتلافی نیز می‌تواند در ابعاد ذیل پیگیری شود:

جدول ۴ بررسی ابعاد احتمالی تحریم‌های ائتلافی علیه جمهوری اسلامی ایران

نوع تحریم	ابعاد تحریم
تحریم‌های مالی و پولی	- مخالفت نهادهای مالی و پولی بین‌المللی مانند بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول با دادن وام‌های بانکی - ضبط حساب مالی بانک‌های ایرانی - جلوگیری از تداوم فعالیت بانک‌های ایرانی - انسداد حساب‌های بانکی اشخاص و شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران، وزارت دفاع و سازمان انرژی اتمی
تحریم‌های تجاری - بازرگانی	- جلوگیری از عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت - تعیین محدودیت کمی و مالی حجم صادرات مجاز به ایران

جدول ۴ بررسی ابعاد احتمالی تحریم‌های ائتلافی علیه جمهوری اسلامی ایران

نوع تحریم	ابعاد تحریم
تحریم‌های ارتباطی	- جلوگیری از عبور هواپیماهای جمهوری اسلامی ایران از آسمان سایر کشورها - جلوگیری از پهلوگیری ناوگان کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران در بنادر خارجی
تحریم رسانه‌ای	- تحریم ایمیل‌های ایران مانند اعمال برخی محدودیت‌ها توسط دو شرکت گوگل و یاهو - حذف ایران از شبکه‌های ماهواره‌ای - لغو پخش و فروش برنامه‌های ماهواره‌ای به ایران - قطع ارتباط ایران با اینترنت - ممنوعیت پخش ماهواره‌ای شبکه‌های برون‌مرزی صدا و سیما
تحریم سیاسی	- لغو عضویت ایران در سازمان‌های بین‌المللی - ممنوعیت صدور روادید برای برخی کارگزاران نظام - قطع یا محدودسازی روابط سیاسی - کنسولی با جمهوری اسلامی ایران از طریق فراخوانی برخی اعضای هیئت سیاسی
تحریم انرژی	- ممنوعیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های فراملیتی در صنایع نفت و گاز ایران - قطع صادرات نفت و گاز - قطع واردات ایران

مأخذ: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر، ۱۳۸۷، ص ۲۲۱-۲۱۸.

۵. تلاش برای گسترش روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای نوظهور: تلاش برای گسترش روابط تجاری و اقتصادی با کشورها و اقتصادهای نوظهور نظیر برزیل، هند و چین در راستای تنوع‌بخشی به کشورها در تأمین نیازهای اقتصادی کشور و کاهش وابستگی به اتحادیه اروپا.

۶. رهایی از وابستگی به صادرات محصولات خام: تلاش به رهایی از وابستگی به صادرات محصولات خام و بومی‌سازی تکنولوژی‌های تولید کالاها و محصولات واسطه‌ای و سرمایه‌ای به منظور کاهش واردات این نوع کالاها.

۷. مشارکت فعال در سازمان‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی: تلاش برای ارائه تصویری غیر از آنچه که ایالات متحده، لابی صهیونیستی و متحدین غربی آنها درباره ایران مطرح می‌کنند، با برگزاری و مشارکت در سازمان‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی و امضای توافق‌نامه‌های اقتصادی و تجاری با کشورهای شرکت‌کننده.



منابع و مأخذ

استوارت ای. ایزنشتات (۱۳۸۸). آیا تحریم‌های اقتصادی اثربخش هستند؟، ترجمه سپیده ابراهیمی و مهسا دادار، مؤسسه مطالعاتی تدبیر اقتصاد، سلسله گزارش‌های بررسی تحریم، شماره ۱۲.

اسماعیلی، بابک (۱۳۸۷). شکست تروریسم مالی غرب علیه ایران؛

<http://www.bazyab.ir/index.php?option=com-content&task->

دلیری، جواد (۱۳۸۳). «ارزیابی سیاست تحریم اقتصادی دولت آمریکا علیه ایران (چهار سال دیگر بر مدار تحریم)»، روزنامه ایران، ۱۳۸۳/۱۱/۱۴.

زهرائی، مصطفی (۱۳۷۶). «تحریم اقتصادی از نظر تا عمل»، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱.

سجادپور، سیدمحمد کاظم (۱۳۷۶). «ارزیابی مهار دو گانه: چهار گانه متفاوت»، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱.

صادقی یارندی، سیف‌اله و مسعود طارم‌سری (۱۳۸۵). فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجاری بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، انتشارات چاپ و نشر بازرگانی.

عباسی، منصوره (۱۳۸۷). «بررسی برآورد ریسک ایران در گزارش دسامبر سال ۲۰۰۸ مؤسسه اکونومیست»، فصلنامه اکونومیست، تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، شماره ۴۱.

فردی‌پور، سعید و مصطفی دلاورپور اقدم (۱۳۸۸). «مختصات ابعاد عملیات روانی تحریم جمهوری اسلامی ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، گزارش شماره ۱۰۱۵۷.

لاپز جرج و دیوید کارت‌وایت (۱۳۷۶). عصر تحریم جایگزینی برای مداخله نظامی: نظریه‌های تحریم اقتصادی، ترجمه علی‌اکبر رضایی، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

مؤسسه تدبیر اقتصاد (۱۳۸۷). تحریم اقتصادی، آثار و پیامدها، سیاست‌ها و راهکارها.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷). «مشخص نبودن تأثیر تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران و لزوم بازبینی آن»، ترجمه نجمه رضایی نیک، گزارش شماره ۸۹۳۴.

Designation IRGC Important Step in pressuring Iran, www.aipac.org, 17oct, 2007.

<http://www.csmonitor.com>, February 5, (2010). Miunich Security Conference: Fresh focus on Afghanistan, Nuclear Weapons.

<http://www.washingtonpost.com>, February 3, 2010. Italys Prime Minister kinks Gaza war to Holocaust.

Iran Nonproliferation Act, (2000).

Iran Sanctions: Impact in Furthering U.S. "Objectives in Unclear and Should be Reviewed", the Government Accountability Office, (2007).

Iran-Libya Sanction Act (ILSA), (1996).

Meron, Jil (1990). "Democraey, Dendency, and Destabilization: The Shaking of Alendes Regim", *Political Science Quarterly*, Vol. 105, No. 1.

Lopez George and A. David (1995). *Cortright: Sanction Sava, An Alternative to Military Intervention*, The Flecher Forum, Fase/3/385-404.

Petter A. G. and Ran, Bergelljk (1989). "Success and Failure of Economic Sanction", *Kyros*, Vol. 42, 1989, Fase/3/385.